

نشریه



ادیان شناخته

UNDERSTANDING RELIGIONS

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی

شماره ششم - آبان ماه ۹۰



یهود



اسلام



مسیحیت



زرتشت



آیین بودا



هندو



آیین جین

خدر را

کیست که شیرینی محبت تو را چشیده باشد

و جز تو آهنگ دیگری کند؟

کیست که به مقام قرب تو انس گرفته باشد

و در صدد روگردانی از تو باشد؟

مناجات خمس عشر



نشریه ادیان شناخت

انجمن علمی ادیان و عرفان. شماره ششم آبان ماه ۱۳۹۵

ارتباط با ما:

صاحب امتیاز: انجمن علمی ادیان و عرفان اسلامی

اردبیل - فیابان دانشگاه - دانشگاه

مدیر مسئول: محمد مهدی یار

محقق اردبیلی دانشکده علوم انسانی،

سر دبیر: محسن صفائی

طبقه همکف - دفتر انجمن های علمی

ناظر علمی: آقای دکتر بهمن زاهدی

وبلاگ های انجمن علمی:

طراحی و صفحه آرایی: محمد مهدی یار

www.adyan89uma.blogfa.com

ویراستار: محمد مهدی یار، محسن صفائی

www.uma-adyanerfan.blog.ir

هیئت تحریریه:

آقایان:

آیدین ضیائی، فرامرز طلائی، محمد مهدی یار، محسن صفائی

خانم ها:

زهرا علی آبادی، سودا فتیمی، رویا حامد، لیلا بنده، اعظم هوشیار

سیده بتول میر آغاسی، سعیده ملا احمدي، رقيه عیدی



فهرست مطالب :

سخن سردبیر ۱

پراکندگی ادیان در جهان ۲

دین شینتو ۳

یهودیت ۸

بودیسم ۱۶

معرفی عرفا ۲۰

معرفی مقالات ۲۴

همایش ملی قرآن کریم ۲۶

کنگره عرفان (قبرس) ۲۷

کارگاه های آموزشی ۲۸

وحدت وجود ۳۰

سفرنامه سالکان ۳۴

عرفان از دیدگاه امام علی (ع) ۳۶

داستان راستان ۳۹

سفن سردبیر :

اول دفتر به نام ایزد دانا

صانع پروردگار می توانا

«سعدی»

با عرض ادب و احترام ممضر دوستان و دانشمویان گرامی رشته ادیان و عرفان اسلامی و دیگر رشته ها که به نوعی این نشریه در اختیار آنها قرار می گیرد. با توجه به اینکه علم نیاز اساسی بشر است و دانستن، برنامه ی او . در واقع بشر امروز بفوبی این مقیقت را دریافته است که بدون علم ، زندگی اش یکنواخت و گاه سفت می شود.

شاید اولین و آفرین دلیل آدمی برای در پی علم رفتن رفاه او باشد. اما نباید غافل از این واقعیت باشیم که علم و دانش سلاح امروز بشر است و در یک نگاه واقع بینانه اگر بگوییم امروزه علم سلاح هر کشوریست پر بیراه ن گفته ایم چرا که این علم است که هم نشان از پویایی یک جامعه میدهد و هم ثمره ای از جنس بی نیازی را بدنبال دارد.

اما از میان تمامی شافه های علمی ، شافه معارف اسلامی و در واقع گرایش ادیان و عرفان اسلامی از یک قرابت ویژه ای نسبت به انسان برفوردار است و سابقه این قرابت به سابقه ی انسان نخستین برمی گردد جایی که برای نیاز های نفسانی فویش همواره دغدغه ی فطری و درونی داشته است.

در نشریه ماضر، با اتکا بر توانایی و عزم راسخ اعضای هیئت تمریریه ی آن سعی شده است مطالب بروز و مفید جهت استفاده ی شما دانشمویان عزیز فراهم شود. با توجه به عنایات الهی و همچنین همکاری و مشاوره اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر علی غفاری و استاد ارجمند آقای بهمن زاهدی وسعی و تلاش دوستان و دانشمویان مقاطع کارشناسی و ارشد رشته ادیان و عرفان اسلامی، شماره ششم نشریه ادیان شنافت تقدیم شما عزیزان می شود.

در اینجا لازم می دانیم از آقای پیمان بابازاده دبیر پیشین انجمن علمی تقدیر و تشکر کرده و برای ایشان آرزوی سرفرازی در سایر مراحل زندگی داشته باشیم. امید است توانسته باشیم گامی هر چند کوچک در جهت ارتقاء سطح علمی شما عزیزان برداشته باشیم انشاءالله.

با سپاس فراوان



در این نقشه، برای پرجمعیت ترین کشور دنیا یعنی چین وابستگی دینی ارائه نشده و این به دلیل سرکوب دین از سوی دولت کمونیست این کشور است. با وجود این، چین دارای طیف متنوعی از ادیان است و ۵ دین مهم این کشور عبارتند از بودیسم، تائوئیسم، اسلام، مسیحیت پروتستان و مسیحیت کاتولیک.

پراکندگی ادیان در دنیا:

روزنامه انگلیسی «ایندپندنت» در گزارش خود مبنی بر پراکندگی ادیان در جهان نوشت: نقشه زیر نشان می دهد که در حال حاضر کدام ادیان بیشترین پیروان را در کدام قسمت های جهان دارند.

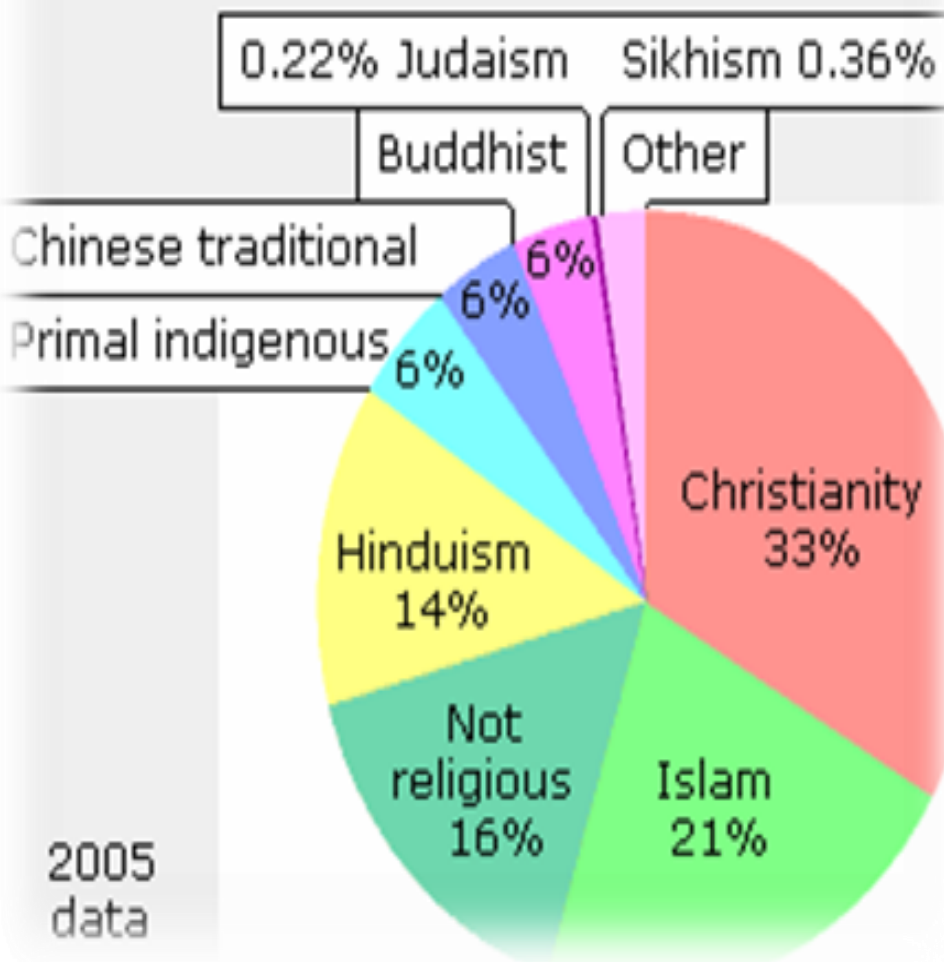
مسیحیت که در حال حاضر در نیمکره غربی زمین بیشترین تعداد پیروان را دارد، همچنان از لحاظ تعداد پیروان از سایر ادیان جلوتر است.

با وجود این، محبوبیت مسیحیت در آمریکا رو به کاهش است و تا سال ۲۰۵۰ جمعیت مسیحیان از سه چهارم کل جمعیت به دو سوم کل آن جمعیت خواهد رسید. یهودیت در حال حاضر، دومین دین آمریکا است اما درصد یهودیان آمریکا نیز در حال کاهش است.

اسلام، دومین دین بزرگ جهان، بیشترین پیروان را در خاورمیانه و شمال آفریقا دارد. برخی تحقیقات نشان می دهد تعداد مسلمانان جهان تا سال ۲۰۵۰ برابر با تعداد مسیحیان خواهد شد. در اروپا، اسلام دین ۱۰ درصد مردم خواهد شد و در آمریکا تعداد مسلمانان از یهودیان پیشی خواهد گرفت.

در هند، هندوئیسم، دین بیشتر مردم این کشور است و تا سال ۲۰۵۰ نیز همینطور باقی خواهد ماند. هند همچنین بزرگترین اقلیت مسلمان جهان را خواهد داشت.

Major religious groups
(percentage of world population)



دین شینتو:

می باشد، پیامبر به آن معنا که در ادیان آسمانی مطرح می باشد، نداشته است. البته مؤسسين برخی از فرقه ها، مخصوصاً آنهایی که اخیراً به وجود آمده اند معلوم است و جالب است که بدانیم برخی از به وجود آورندگان فرقه های نو، خانم می باشند که از حقوق زنان دفاع می کنند. مردم ژاپن به بهشت و دوزخ معتقد نیستند و می گویند: « بهشت و دوزخ در دل ماست. » دین شینتو روانها (ارواح) را بدون مجازات و پاداش رها کرده و به بقای دائمی آنها معتقدند مهمترین متن مقدس دین شینتو دو کتاب است که اولی به نام «کوجیکی» که در سال ۷۱۲ م نوشته شده و دومی به نام «نیهون گی» خوانده می شود که به سال ۷۲۰ م به کتابت در آمده است.



شینتو از لغت چینی شن تائو یعنی راه خدایان گرفته شده و آئین باستانی ژاپن است. این آئین ایزدانوی خورشید به نام آماته راسو را نگهبان سرزمین اجدادی می داند و خاندان امپراتوری را از نسل این خدا و تجسم وی می شمارد.

دین شینتو خدایان بیشماري داشته و خدای واحدی ندارد. برای همین این آیین را «راه خدایان» یا «طریق روان های پاک» نامگذاری کرده اند. در آئین شینتو عالم فیزیکی را سه بخش می دانستند: آسمان اثری در بالا، جهان در سطح زمین و مناطق پست سایه گون در بطن خاک، در این عالم خدایان بیشماري بودند که همه را با هم، «کامی» می نامیدند که در لغت به معنای «بالا» یا «مهرتر» است.

موتوئوری نوری ناگا، دانشمند نام آور آیین شین تو، کامی را اینگونه تعریف می کند:

اصطلاح کامی به خدایان گوناگون آسمان و زمین که ذکرشان در گزارش های باستانی آمده است، و نیز به ارواح آنها (میتاما)، که ساکن ایزدکده هایی که آنها را در آنجا می پرستیدند اطلاق می شود. دیگر نه فقط انسان ها بلکه پرندگان، چهار پایان، درختان، دریاها، کوه ها و همه چیز های دیگر که به خاطر نیروهای فوق العاده و برجسته ای که دارند، و هراس انگیز و شایسته احترام اند، نیز کامی خوانده می شوند. هم چنین فرزند خورشید نیز پرستش می شود. ربّ النوع خورشید که طبق افسانه ای خود بوجود آمده است، حکومت ژاپن را در اختیار فرزندش که همان «میکادو» باشد، قرار داد. اصطلاح میکادو در فرهنگ ژاپنی به فرمانروایان و امپراتور اطلاق می شود. بنابراین میکادو فرزند خدای خورشید است و پرستش وی تا جنگ جهانی دوم متداول بود تا اینکه «هیروهیتو» امپراتور سابق ژاپن در سال ۱۹۴۷ میلادی الوهیت یعنی جنبه خدایی خود را لغو کرد و حاکمیت ملی را به رسمیت شناخت.

بنابر تحقیقات انجام شده، بنیانگذار آیین شین تو معلوم نیست و احتمالاً از چین و هند و دیگر عقاید و اقوام ابتدایی اقتباس شده است. بنابراین معلوم می شود که آیین شینتو پیامبری نداشته است و فرقه های مختلف آن هم که بیش از ۸۰۰ فرقه



۳. نماز خواندن (نوریتو) (norito) نماز در آئین شیتو منحصر به خواست های مادی و بشری می گردد. این نماز خواندن به صورت دعا و ایستاده و با احترام به خدایان به صورت زدن کف دو دست به همدیگر می باشد.

۴. میهمانی سمبلیک (نیورای) (neorai) که در آن زایران با کامی معبد، غذا تناول می کنند و معمولاً این پذیرایی به صورت نوشیدن چند قطره از عرق برنج است که آن را یکی از کاهنان معبد به زایران می دهد. زایران می توانند در هنگام زیارت، درخواست اجرای رقص مذهبی مخصوص معبد را بنمایند.



اندرزهایی از کتاب های مقدس شیتویی:

۱. سازش نیکو است و پرهیز از ستیزه مایه سرافرازی.
۲. کسی که مطلقاً بد باشد، کمیاب است.
۳. خوبی دیگران را مپوشان و اگر بدی دیدی آن را اصلاح کن.
۴. کمتر کسی با خرد به دنیا می آید، فرزاندگی حاصل اندیشه است.
۵. هر کاری را از کوچک و بزرگ به صاحب فن بسپار تا به خوبی انجام شود.
۶. در امور مهم، تصمیم باید از شورا باشد، نه از یک نفر.
۷. وقتی در دل کینه داری به زبان مهر نوز.
۸. تنها به فکر خود نباش.

عبادت مذهبی شیتو در معبد چهار بخش دارد که عبارتند از:

۱. تطهیر (هارایی) (harai) کسی که برای عبادت به معبد می آید قبل از ورود به آن خود را در حوضچه ای که برای شستشو تعبیه گردیده، تطهیر می کند. دست ها را شسته و در دهان نیز آبی را مزمه می کند و علاوه بر این با ریختن آب بر روی سر، تمامی بدن را غسل می دهد. سپس کاهن با مالیدن شاخه یا برگی از درخت ساکاکای بر روی سر، او را تطهیر می کند.

۲. تقدیم هدایا (شینسن) (shinsen) که معمولاً از جنس حبوبات یا شراب بوده و اخیراً چنین متداول شده است که زائران هدایای خود را به صورت نقدی به معابد می دهند. چنانچه زائر توانایی مالی نداشته باشد، می تواند شاخه ای از درخت ساکاکای را به معبد هدیه کند.

عبادت در منزل:

در هر بامداد و هر شامگاه پیروان آیین شینتو باید هدایایی را برای «خدایان روی طاقچه» که در حقیقت مجسمه های کوچکی هستند، و ارواح نیاکان خود تقدیم کنند. پیروان این آیین باید پس از گرفتن وضوء به شیوه خاص خود و تطهیر خویش در برابر خدایان خانگی خویش تعظیم کنند و برای مدت یک دقیقه ساکت شوند.

از میان عقاید متعدد شینتو، ریشه دارترین و مهم ترین آنها، تقدیس و بزرگداشت خورشید به عنوان منبع روشنایی و زندگی است که در شخصیت الهه بزرگ «اماتراسو» متجلی می شود. به همین علت ژاپنی ها معتقدند که معبد بزرگ «ایسیه» که مخصوص عبادت این الهه است، مقدس ترین معبد مذهب شینتو است. چنین اعتقادی به خورشید برای مردمی که اکثریت آنان را کشاورزان تشکیل می دهند، امری بسیار طبیعی است، اما ما امروزه شاهدیم که این عقیده با وجود گذشت قرن ها و علی رغم پیشرفت صنعتی ژاپن، هنوز هم در میان ژاپنی ها استوار است. شاهد ما بر این مطلب نقش خورشید سرخی است که بر پرچم ملی ژاپن قرار گرفته و نماینده سرزمین آفتاب تابان ژاپن است.

ریوبو:

آیین بودا در ژاپن در قرن ۸ میلادی کاملاً رواج یافت و به طور رسمی پذیرفته شد. در آن زمان لازم شد که میان آیین بومی و قدیم شینتو از یک سو و آیین بیگانه و نورسیده بودایی از سوی دیگر تلفیقی صورت گیرد. در آن هنگام برخی از روحانیون بودایی اعلام کردند در مکاشفات خود دانسته اند که خدایان باستانی ژاپن در حقیقت هر کدام بوده اند و آنجا ظهور کرده اند. همچنین گفتند اماتراسو یعنی خدای خورشید همان ظهور کامل بودا در کشور ژاپن بوده است. این مکتب را ریوبو، یعنی شینتوی ترکیبی نامیدند و به تبلیغ آن پرداختند. بدین شیوه آیین شینتو نوسازی شد و احیا گردید.



ناسیونالیسم ژاپنی و شینتو:

بیرون از سرزمین اصلی ژاپن آیین شینتویی به عنوان امری مترادف با ناسیونالیسم افراطی، ملیتاریسم و پرستش امپراتور شناخته می شود. این مطلب عجیب نیست، چون بی تردید، در طی قرون و اعصار همواره طرفداران نظامی گری و مصادره قدرت، از دین شینتو برای وحدت افکار و تقویت وفاداری مردم ژاپن استفاده کرده اند. شاید هم از لحاظ تاریخی وقوع این امر اجتناب ناپذیر بوده است.





دین رسمی:

در قرن هفدهم برخی از رهبران دینی گفتند خوب است آیین شیئتوی قدیم احیا گردد و سرانجام در سال ۱۸۶۸ تحول تازه ای در حیات اجتماعی مردم ژاپن پیش آمد و با تردد مسافرانی از آمریکا به ژاپن، در این کشور به روی جهانگردان باز شد. چندی بعد امپراطور ژاپن شیئتو را دین رسمی اعلام کرد و دستور داد نشانه های آیین بودا را از آن آیین بزدایند. این کار در آغاز با فشار انجام گرفت؛ زیرا مردم هنوز هم به آیین بودا علاقه مند بودند. سرانجام در قانون اساسی سال ۱۸۸۹ حق آزادی مطلق دین برای تمام مردم ژاپن به رسمیت شناخته شد، ولی دولت جانب آیین شیئتو را می گرفت.

آیین دولتی شیئتو تا سال ۱۹۴۵ که آمریکا ژاپن را بمباران اتمی کرد و این کشور به اشغال آمریکا در آمد، ادامه داشت و تعالیم آن به گونه ای بود که جوانان را در مقابل نفوذ تمدن غربی مقاوم می ساخت. از سال ۱۹۴۵ به بعد، انجام دادن مراسم این آیین اختیاری شده است.

از ابتدای قرن هفدهم میلادی، ترس از دخالت ملت های غربی منجر به سرکوب مسیحیت و دفع خارجی ها شد و آیین شیئتوی که از جانب ادیان بودایی و کنفوسیوسی به سرکوب و حتی جذب در آنها تهدید شده بود، به سنگر حفظ و استقلال فرهنگ قومی ژاپن تبدیل شد. در نیمه اول قرن نوزدهم، قدرت رو به توسعه غرب امپریالیست، تاریخ طولانی استقلال کشور ژاپن را خدشه دار ساخت. در این وضعیت کاملاً طبیعی می نمود که دین شیئتویی، که ارتباط نزدیکی با خاندان سلطنتی داشت، به مبنایی معنوی برای حفظ و استقلال فرهنگ قومی و حفظ کشور از خطر سلطه خارجی تبدیل شود. در نتیجه شیئتو خصلتی بغایت ناسیونالیستی و ملی گرایانه پیدا کرد. از همین بابت هم، در خلال جنگ جهانی دوم افکار و اندیشه های میهن پرستانه، جنبه مذهبی پیدا کردند اما پس از این جنگ به بازانندیشی درباره ناسیونالیسم تنگ نظرانه قبلی، بیش از پیش توجه شد.





توری ئی (torii)

بند کننده غار را به کناری هل می‌دهد. به این ترتیب آفتاب دوباره جهان را روشن می‌کند. آن لانه اولین دروازه توری ئی بود. از آن هنگام توری ئی نشان کامیابی و خوشبختی شد و در همه ژاپن منتشر شد.

مقصود از توری ئی در معابد شیتو:

توری ئی نشان ورودی به جایگاه مقدس در ژاپن است. برای رد شدن از یک توری ئی، باید دست و دهان را با آب شست، و این برای تمیز و پاک شدن پیش از ورود به پیشگاه خدایان و آغاز نماز و راز و نیاز است. آدمهای آلوده و ناپاک اجازه ورود به معابد شیتو را ندارند تا حیاط معبد را نیالایند. برای مثال، زنان در حال قاعدگی یا هر کسی که در آن سال فردی از اعضای خانواده‌اش را از دست داده باشد، از مصداق‌های این آلودگی به شمار می‌روند. وقتی یک ژاپنی فردی از خانواده‌اش را از دست می‌دهد، به مدت یک سال به جای رفتن به معبدهای شیتویی، آداب عبادی خود را در معبدهای بودائی بجای می‌آورد.



منابع:

۱. جهان مذهبی ادیان (ادیان در جوامع امروز، مذهب در ژاپن)، کنت دالر هاید، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی.
۲. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد ۱، تالیف مبلغی آبادانی.
۳. تاریخ جامع ادیان، جان بی ناس، مترجم علی اصغر حکمت.

دروازه سنتی ژاپنی است که معمولاً در ورودی پرستش‌گاه‌های شیتو و همچنین برخی از پرستشگاه‌های بودائی دیده می‌شود. توری ئی از دو ستون پایه و دو تیرک افقی در قسمت بالایش تشکیل می‌شود و بیشتر آن را به لون قرمز سنگرف رنگ می‌زنند. در برخی توری ئی‌ها کتیبه‌ای میان دو تیرک منصوب است. توری ئی سنتی از چوب و سنگ ساخته می‌شد. اخیراً فولاد و فولاد ضد زنگ در ساختن توری ئی به کار می‌رود. توری ئی برزخ میان معبد مقدس و جهان مدنس است.

معبدهای ایناری ایزدبانوی باروری، برنج، کشاورزی، روباه، صنعت، و کامیابی) به طور نمونه توری ئی‌های بسیاری دارد. معمولاً کسی که در تجارت کامیاب می‌گردد، یک توری ئی را به معبد ایناری هدیه می‌کند.

اساس کلمه «توری ئی» معلوم نیست. یک نظریه ادعا می‌کند که توری ئی‌ها محلی برای استراحت پرندگان است. این نظریه بر اساس تحلیل کانجی توری ئی است: جایگاه پرنده. تفسیر آن این است که در شیتو پرندگان پیامبران خدایان به شمار می‌آیند. نظریه دیگر می‌گوید که اصل کلمه tori-iru است: گذر کردن و داخل شدن.

افسانه:

خروج ایزدبانوی خورشید و نورانی شدن دوباره جهان معلوم نیست که آیا توری ئی از اصل ژاپنی است یا اینکه از جایی دیگر مانند کره وارد فرهنگ ژاپنی شده است. هر آینه، در افسانه‌های کهن، آماتراسو ایزدبانوی خورشید از برادر شوخ طبعش بسیار رنجور گشت، پس خود را در غاری پنهان کرد و مدخل آن را با سنگ بست و بدینسان سبب کسوف خورشید شد. مردم ترسیدند که اگر خورشید دیگر هیچوقت ظاهر نشود، همه خواهند مرد. مردم پند پیرمرد خردمندی را شنیدند و لانه چوبی بزرگی ساختند و همه جوجه خروس‌های شهر رادر آن گذاشتند. جوجه‌ها شروع به سر و صدا کردند و سبب کنجکاوای ایزدبانو آماتراسو شدند. هنگامی که آماتراسو از غار سرک می‌کشد تا ببیند چه خبر است، کشتی گیر سومو عظیم‌الجثه‌ای به سرعت دویده و سنگ



هستم آنچه هستیم. این نام در سفر خروج ۳:۱۴ و در برخی ادعیه اسلامی (مانند دعای شب عرفه) آمده است و بر اثر نسخه برداری افراد کم اطلاع، به آهياً شَراهياً تبدیل گردیده است.

یهودیت:

یهودیت (مانند اسلام و مسیحیت) از آغاز بر توحید استوار شده است و همه انبیای یهود، از حضرت موسی (ع) تا انبیای پرشمار بعدی، با شرک مبارزه کرده اند. بدیهی است که پیروان ادیان توحیدی در مواردی از دین خود غافل می شوند و به گونه هایی از شرک روی می آورند. این مسأله هیچ گاه نظر پژوهشگران را نسبت به اصل این ادیان تغییر نداده است. آنان با قطع نظر از لغزشهای پیروان یک دین، از تحقیقات خود دانسته اند که ادیان دو گونه اند:

الف- ادیان ابراهیمی.

ب- ادیان شرقی.

نام خاص خدا در دین یهود *يَهُوَه* یعنی باشنده (موجود) است. این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت تورات حرام است. بر اثر این تحریم، کسی تلفظ حقیقی آن را نمیداند و گاهی در کتابهای علمی مغرب زمین، از باب احتیاط آن را بدون حرکت (YHWH) ثبت میکنند. اما گروهی از محققان برآنند که تلفظ حقیقی آن *يَهُوَه* است. هنگامی که معبد سلیمان بر پا بود، بالاترین مقام مذهبی یهود حق داشت سالی یک بار در روز عاشورای تقویم یهودی (دهم ماه تشری، در اوایل پاییز)، در قدس الاقداس آن معبد، نام *يَهُوَه* را بر زبان آورد و دعا کند. هنگام تلاوت تورات نام مزبور به ادونای به معنای آقای من تبدیل می شود و حرکات همین کلمه را روی آن می گذارند، از این رو گاهی آن را *يَهُوَه* ضبط کرده اند.

یکی دیگر از نامهای خدا *اِهيه اَشْرَاهيه* است به معنای

است. آخرین داور بنی اسرائیل حضرت سموئیل (ع) دو پسر داشت که شایستگی رهبری قوم را نداشتند. از این رو، مردم از آن حضرت درخواست کردند که پادشاهی برای آنان برگزیند. در واقع بنی اسرائیل در آن زمان پادشاهی نداشتند. سموئیل پس از اصرار زیاد مردم، از طرف خدا جوانی را به پادشاهی آنان نصب کرد.

نخستین پادشاه بنی اسرائیل حدود ۱۰۳۰ سال قبل از میلاد انتخاب شد و نام این پادشاه در عهد عتیق (کتاب اول سموئیل، باب ۹ به بعد) شائول و در قرآن کریم طالوت است (بقره: ۲۴۷).



پس از انتخاب نخستین پادشاه، جنگ مهمی میان بنی اسرائیل و فلسطینیان آن زمان رخ داد و پیروزی نصیب بنی اسرائیل گردید. مهمترین قهرمان این قوم جُلّیات بود که در قرآن کریم جالوت نامیده شده است. وی به دست حضرت داوود (ع) کشته شد و لشکر وی گریخت.

یهودیان به نبوت معتقدند و در مورد آن بحثهای کلامی گسترده‌ای دارند. همچنین برای نبوت معنای ویژه‌ای قائلند که پیشگویی است و پیامبران بزرگی همچون اِشْعِیاء، اِرمِیاء، حزقیال و هوشع به عنوان نبی یعنی پیشگو شهرت دارند. پیامبران بسیاری در کتاب عهد عتیق مطرح شده‌اند. اشعیا، اِرمِیاء و عاموس با بیانات شیوای خود به بنی اسرائیل هشدار می‌دادند و آنان را از عاقبت کارهای زشت و ناروایشان بر حذر می‌داشتند و متذکر می‌شدند که اسارت ذلت باری در پیش دارند. اما آنان به این گفتارها کمترین توجهی نمی‌کردند و از سوی دیگر به قتل و حبس و آزار پیامبران خود کمر می‌بستند. هفده کتاب پایان عهد عتیق که کتابهای نبوت نام دارد، مشتمل بر این پیشگویی‌هاست. از ۲۶ پیامبر مذکور در قرآن کریم ۲۰ تن به اهل کتاب مربوط می‌شوند: آدم، نوح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، موسی، هارون، داوود، سلیمان، الیاس، الیسع، عَزْرَیْر (عَزْرَا)، ایوب، یونس، زکریا، یحیی و عیسی. از آن انبیا ۶ تن به اهل کتاب ربطی ندارند: ادریس، (مگر به نام اَخْنوخ در سفر پیدایش ۵: ۲۴)، شعیب (مگر به نام رَعُوئیل در سفر خروج ۲: ۱۸ یا به نام یَترون در سفر خروج ۳: ۱)، ذوالکِفَل، هود، صالح و محمد.

پس از حضرت موسی (ع)، حضرت یوشع بن نون به امر خدا به رهبری قوم برخاست. وی از رود اردن که از شمال به جنوب فلسطین کشیده شده است، گذشت و بلاد کنعان و حدود آن را فتح کرد. به ادعای عهد عتیق سکنه بومی آن مناطق قتل عام شدند و آن سرزمین به بنی اسرائیل اختصاص یافت. جریان این جنگها در ششمین کتاب عهد عتیق، به نام صحیفه یوشع موجود است. پس از یوشع (ع) مردان بزرگی در بنی اسرائیل به رهبری مردم اشتغال داشتند که داوران بنی اسرائیل نامیده می‌شوند. آنان عموماً سمت پیامبری یا پادشاهی نداشتند. تاریخ این رهبران در سفر داوران آمده



هنگامی که کورش کبیر بنیانگذار سلسله هخامنشی، بابل را فتح کرد، یهودیان آزاد شدند و اجازه بازگشت به سرزمین خود را یافتند. اما بسیاری از آنان حاضر نبودند بابل را ترک کنند و در بابل و اطراف آن پراکنده شدند. اعلامیه کورش در مورد آزادی یهود حدود سال ۵۳۸ ق.م. صادر شد. کورش با این کار میان یهود محبوبیت زیادی به دست آورد.

گروهی از یهودیان نیز به فلسطین بازگشتند و به بازسازی شهر قدس آغاز کردند. در آن دوران همسایگان آن سرزمین احساس خطر کردند و مانع بر پایی یک حکومت مقتدر یهودی بر خاک فلسطین شدند. پس از آن حکومت‌های ناتوانی در مناطق مختلف فلسطین برپا شد و پس از چند قرن آشفتگی، شهر قدس برای بار دوم به دست رومیان ویران شد و ایرانی، یهودیان را در جهان پراکنده ساخت. از آن پس یهودیان در کشورهای بیگانه زندگی سختی را می‌گذراندند و انواع خواری و سرکوفتگی را در جسم و جان خود می‌چشیدند.

حضرت داوود جانشین حضرت طالوت شد (حدود ۱۰۱۵ سال قبل از میلاد) و حضرت سلیمان به جای پدرش داوود (ع) نشست و مهمترین و با شکوهترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد. وی معبد بسیار بزرگی در شهر اورشلیم (یعنی شهر سلامت) ساخت که به نام هیکل سلیمان معروف شد (هیکل در زبان عبری به معنای ساختمان بلند است). این معبد بعداً یک بار حدود ۵۸۷ ق.م. به دست بُخْتَنْصَر و با دیگر در سال ۷۰ م. به دست شاهزاده رومی، تیتوس (Titus) خراب شد.

پس از رحلت حضرت سلیمان (ع)، فرزندش رَحْبَعَام زمام امور مملکت بنی اسرائیل را در کف گرفت و چون به ستمکاری پرداخت گروهی از مردم از فرمان او بیرون رفتند و تنها دو سبط یهودا و بنیامین در سرزمین یهودا (به نام یکی از فرزندان حضرت یعقوب) که بخش نسبتاً کوچکتری بود، برای او باقی ماند. این قسمت که شامل شهر اورشلیم (قدس) نیز می‌شد، اهمیت بسیاری داشت و نام «یهودی» از اینجا می‌آید. ده سبط دیگر، حکومت مستقلی به نام اسرائیل به رهبری فردی به نام یَرْبَعَام بن ناباط در شمال فلسطین تشکیل دادند. یربعام یکی از استانداران حضرت سلیمان (ع) بود.





است، از خدای واحد، مهربان و درستکار سخن می گوید. این داستان به داستان پر- نپیشتم (Per-napishtim) که روی الواح میخی حک شده است و علاوه بر شرک صریح، خدایانی خودخواه، ستیزه جو، احساساتی و حسود را مطرح می کند، چندان شباهتی ندارد. این تمایز در سایر داستانها و قوانین و باورهای که گفته می شود یهود از اقوام دیگر اقتباس کرده اند، نیز مشهود است.

در تورات تقریباً ذکر از قیامت نیست (مگر یکی - دو اشاره مبهم، مثلاً تثیبه ۸: ۱۶). از نظر تورات (لاویان باب ۲۶ و تثیبه باب ۲۸) دینداری و بی دینی در جلب نعمتهای این جهان و سلب آنها تأثیر مستقیم و قطعی دارند. از سوی دیگر، کتاب تلمود از قیامت بسیار سخن گفته است. یکی از باورهای اصیل یهودیت که به تصور پژوهشگران، از بیگانگان گرفته شده، اعتقاد به رستاخیز مردگان است.

پس از بازگشت یهود از بابل، جامعه دینی نظام تازه ای یافت و معابدی ساخته شد که بعداً کنیسه (synagogue) نامیده شد. این معابد مانند سایر معبدها معماری خاصی داشتند و در آنها قربانگاه و اماکن ویژه دیگری وجود داشت. هم اکنون نیز معبد یهودیان کنیسه نامیده می شود. قبله یهود معبد سلیمان (مسجد اقصی) است؛ فقط سامریان قبله را کوه جرزیم در نزدیکی شهر نابلس می دانند. آنان روزی سه بار نماز می خوانند: نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب. در صورتی که دست کم ده مرد در در کنیسه وجود داشته باشد، نماز برگزار می شود و در این حال یک نفر که معمولاً پیرتر از سایرین است و عبری را خوب می داند، جلو می ایستد و قسمتهایی از تورات یا دعاهایی به عبری می خواند و در مواردی رکوع می کند. معروفترین عبارتی که خوانده می شود، شِمَع (یعنی بشنو) نام دارد که از تورات گرفته شده است:

ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما (تثنیه ۶: ۴-۵)

تأثیر عقاید مزدیسنی و فرهنگ پارسی :

یهودیان نیز مانند سایر اقوام تحت تأثیر محیط قرار داشتند و پس از تماس با برخی تمدنهای باستانی، خواسته یا ناخواسته، بسیاری از مفاهیم و اعمال آنها را وام گرفتند، ولی باید توجه داشت که آنان پیوسته و در تمام موارد، مسائل یاد شده را به رنگ اخلاقیات توحیدی خاص خویش در می آوردند. مثلاً داستان طوفان نوح، خواه از بابلیها اقتباس شده باشد یا نه، آن گونه که در سفر پیدایش آمده



انتظار ظهور مسیحا: اندیشه انتظار مسیحا ماهیتاً یهودی است. اقوام عصر قدیم، بر اثر نومیدی از وضع موجود و بی توجهی به آینده، به گذشته خویش می بالیدند و کمال شادکامی اجتماعی و ملی را در آن می دیدند. گونه ای از این گذشته گرایی را چکامه سرایان یونانی و رومی، هزیود (Hesiod) و اوید (Ovid) ماهرانه ترسیم و توصیف کرده اند. این دو تن برای جهان پنج دوره و پنج نژاد پیایی قائل شدند و گفتند: انسانها در نخستین دوره عصر که عصر زرین نامیده می شود، شادمان و به دور از درد و رنج، بی کشت و کار از محصولات زمین بهره می بردند. مردن ایشان نیز به شکل خواب بی رویایی بود که طی آن به بزم فرشتگان نگهبان جهان پر می کشیدند. در سوی دیگر این طیف، واپسین دوره یا عصر آهنین وجود داشت که از همه آشفته تر بود و آن دو چکامه سرا در آن دوره روزگار می گذرانند.

یهودیان نیز به عنوان قومی دیندار و معتقد به اینکه جهان را موجودی خوب و کامل آفریده است، کمال را آغاز آفرینش قرار می دادند و می گفتند نخستین انسان که مستقیماً به دست خدا آفریده شده است، لزوماً باید کامل و کامروا باشد. با این وصف، یهودیان کامیابی و فضیلت را نه در دوران طلایی گذشته، بلکه در آینده و واپسین روز می جویند. این عبارت کتاب مقدس میان یهودیان رایج بود: «اگر چه ابتدایت صغیر بود، عاقبت تو بسیار رفیع می گردد.» (ایوب ۸: ۷).

این اعتقاد با آرمان مسیحایی گره خورده و چیزی مانند اعتقاد به رجعت را پدید آورده است. ایرانیان باستان می گفتند در زمان آینده، پس از آنکه آهورمزدا بر هموارد خود آنگرومئنیو پیروز شود و او را نابود کند، مردگان برخوانند خاست، ولی شکل عالی و معنوی این آموزه دستاورد اصیل الهامات یهود است و با اعتقاد خشک و بی روح مغان ایران زمین شباهتی ندارد. به گفته پژوهشگران، اعتقاد به جاودانگی روح از قدیم میان نی اسرائیل وجود داشته و در چندین مورد از کتاب مقدس بدان اشاره شده است، ولی آن باور پس از بازگشت از بابل، با عقیده به جاودانگی قوم و قیام مسیحا پیوند خورد و اعتقاد به رستاخیز مردگان را پدید آورد. این نظریه باقرآن مجید تعارض دارد، زیرا از داستان برانگیخته شدن حضرت موسی (ع) در اوایل سوره طه به روشنی می فهمیم که اعتقاد به رستاخیز در نخستین پیام او وجود داشته است.



ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خویش تنبیه نخواهد نمود (۴) بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت (۵) کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت (۶) گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم طفل کوچک آنها را خواهد راند (۷) گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاوکاه خواهد خورد (۸) و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده و دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت (۹) و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آبهایی که دریا را می پوشاند (اشعیا ۱۱: ۹-۱)

یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برگرداند. شخصیت مورد انتظار، ماشیح (مسح شده) خوانده می شد. ماشیح لقب پادشاهان بنی اسرائیل بود، زیرا براساس یک سنت، پیامبران در حضور جمع، اندکی روغن بر سر آنان می مالیدند و بدین شیوه قداست برای ایشان پدید می آمد. این لقب در زمانهای بعد به پادشاه آرمانی یهود اطلاق شد.

دلهای بنی اسرائیل از عشق به مسیحای موعود لبریز بود و در مقابل، حاکمان ستمگر همواره در کمین چنین رهبر رهایی بخشی بودند. در باب دوم انجیل متی می خوانیم که هیرودیس کبیر، پادشاه فلسطین پس از زاده شدن حضرت عیسی در صدد قتل او برآمد، اما چون وی را به فرمان الهی به مصر بردند خطر را از سر گذارند.

واژه فارسی «مسیحا» از روی کلمه عبری «ماشیح» با توجه به تلفظ لاتینی آن (Messiah) ساخته شده است. مهمترین مژده مسیحایی در کتاب اشعیا نبی آمده است: (۱) نهالی از تنه یسی (پدر داوود) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت (۲) و روح خداوند بر او قرا خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند. (۳) خوشی او در



غلبه رومیان و انقراض یهود:

پس از نوسازی اورشلیم مستقر شدن یهودیان در آن مشکلاتی پدید آمد و مبارزه با پادشاهان ستمگر و بت پرست سوریه آغاز شد. جنگهای مکابیان با استعمارگران سوریه به پیروزی یهود انجامید که در کتابهای اپوکریفا شرح داده شده است.

در این دوران غالباً بنی اسرائیل زیر فرمان مشرکان بودند و ظهور حضرت مسیح (ع) نیز در همین دوران بود که شرح آن به طور مفصل خواهد آمد. همچنین در این عصر احکام و قوانینی از طرف علمای یهود صادر می شد و نمایندگان دول استعمارگر فرمان می راندند. علمای یهود در مجمعی به نام سنهدرین اجتماع می کردند و درباره امور مذهبی تصمیم می گرفتند.



شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز یهودیت و مسیحیت موج می زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هرگونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رها کند و فرمانروای جهان گرداند.

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گرد آوردن برخی افراد ساده لوح بر مشکلات آنان افزودند. در این میان حضرت عیسی بن مریم (ع) ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی، دین بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بی شماری را به ملکوت آسمان رهنمون شد، ولی بیشتر یهودیان او را رد کردند.

در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست بر پای خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد بر آمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است. درست است اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحیایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده اند، ولی سواد اعظم یهودیت آن را از جان و دل پذیرفته و آن را رهگشای عصر مسیحا دانسته اند.

هم اکنون صهیونیستهای اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای مسیحیایی روزانه، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایار عبری) پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند: اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.

ویرانی اورشلیم و آوارگی یهود: در سال ۷۰ م. تیتوس، پسر امپراطور روم، اورشلیم را محاصره و ویران کرد و مردم بیشماری را از دم شمشیر گذراند؛ وی سندهرین را نیز از بین برد. پس از این حادثه، یهودیان در کشورهای مجاور در اروپا و آفریقای شمالی پراکنده شدند و با گذشت زمان عده ای به مدینه منوره که یثرب می شد، رفتند و در آنجا سکنی گزیدند. به گفته منابع اسلامی، انگیزه این گروه از یهودیان در انتخاب مدینه برای سکونت، انتظار مقدم مبارک حضرت محمد رسول خاتم (ص) بود.

بعد ها، در عصر خلیفه دوم، مسلمانان، شهر قدس را با مذاکره از مسیحیان تحویل گرفتند. به نوشته طبری (در حوادث سال ۱۵ هجری) مسلمانان هنگام تحویل گرفتن قدس، در صلح نامه خود در برابر مسیحیان متعهد شدند که هیچگاه به یهودیان اجازه سکونت در آن شهر را ندهند.



منابع:

۱. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، انتشارات سمت، موسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ ش؛ باویرایش و اندکی تلخیص
۲. ترجمه تفسیری کتاب مقدس، انگلستان، انجمن بین المللی کتاب مقدس، ۱۹۹۵.
۳. حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵.
۴. رامیار، محمود، بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، تهران.
۵. زرین کوب، عبدالحسین، در قلمرو وجدان، تهران: انتشارات سروش ۱۳۷۵.
۶. کتاب مقدس، لندن، ۱۹۰۴.
۷. گهن، ای، گنجینه ای از تلمود، تهران ۱۳۵۰.
۸. گرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
۹. مصطفوی، علی اصغر، اسطوره قربانی، تهران: انتشارات بامداد، ۱۳۶۹.
۱۰. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۱. هاکس آمریکایی، قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۲. هیوم، رابرت ای، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

بودیسم:

سلوک توجه دارد و به مراسم آیینی یا پرستش ما بعدالطبیعه یا خداشناسی... بی اعتناست.

آیین بودا را باید نهضتی اصلاحی در آیین هندو شمرد که سعی میکرد برخی از عقاید و اعمال افراطی و خشن آیین هندو را تعدیل کند. این آیین «راه نجات را در روش اعتدال و میانه روی و عقل سلیم قرار داده و ریاضتهای افراطی را خلاف مصلحت عقلانی می دانست.»

بودیسم با جامعه ی طبقاتی (کاست) که آیین هندو مبلغ و محافظ آن بود مخالفت میورزید و به همین دلیل «هر کس که در صف پیروان بودا درمیآمد از تنگنای رسم و رعایت اصول طبقاتی (کاست) آزاد می شد.» هر چند خودش دچار خرافات و ریاضتهای افراطی بود که داعیه ی مخالفت با آنها را داشت.

آیین بودیسم جدا شده از کیش هندوست که در هندوستان و حدود دو قرن بعد از مرگ بودا به همت فرمانروایی به نام «آشوکا» رشد و گسترش یافت و بعدها از سرزمین اصلی کوچ و در خارج از مرزهای هند، به خصوص در آسیای جنوب شرقی، چین و ژاپن، پیروان فراوانی برای خود گرد آورد.

برخی از مستشرقان از آیین بودا تعبیر به «فلسفه » می کنند و برخی نیز نام «دین» بر آن می نهند. جان بی. ناس در این مورد می گوید:

این مسئله که آیا فلسفه ی بودیسم را می توان در واقع دین و مذهب نامید یا نه، مورد بحث و نظر است. البته از لحاظ عقاید آن مرد بزرگ در باب جهان هستی و روشهای پیچ در پیچ می توان آن را به عنوان دین تعریف کرد....

ولی اگر به دیده ی تحقیق بنگریم، شاید بهتر باشد که بودیسم را یک «مکتب اخلاقی» بدانیم تا یک مکتب فلسفی چرا که بودا به هیچ وجه وارد بحث های متافیزیک و فلسفی نمی شود و می کوشد مسائل فلسفی را هم با تمثیل بیان کند و بحث درباره ی خدا و روح را بی فایده می انگارد و به دادن چند تذکر اخلاقی در این باره بسنده میکند. از دیدگاه علمای ادیان ابراهیمی نیز نمی توان آیین بودا را «دین» نامید زیرا آنگونه که خواهد آمد، این آیین، مبدأ اعلی و وجود امور ماوراء الطبیعی و غیرمادی را برنمیتابد و ماده را تنها موجود ازلی و ابدی می شمارد که خالق نیست. به تعبیر دیگر، مفهوم ذهنی بودا از دین، مفهومی کاملاً اخلاقی است. او در همه چیز به رفتار و



اصل دوم: تنها راه نجات از رنج و شرّ عالم و اندوه زندگی، پیوستن به «نیروانا» است که می توان آن را نوعی عدم و رها شدن از قید وجود دانست.

با توجه به مطالب فوق باید گفت: درست است که بر اساس تعریفی که می گوید: «دین الهی مجموعه ی عقاید و اخلاق و قوانین و مقرراتی اجرایی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است...»، آیین بودیسم یک دین به معنای واقعی نیست، ولی چون طرفداران آن تلقی دین از آن را دارند و می خواهند با ایمان به آن به رستگاری برسند می توان انتقادهای کلی زیر را بر آیین بودا وارد دانست.

۱. انکار خداوند

۲. انکار مباحث نظری و اعتقادی

۳. انکار معاد و اعتقاد به تناسخ

۴. فردگرایی

۵. آمیختگی با افسانه

اساس آیین بودیسم بر این اصل واقع شده که عالم سراسر رنج و بدبختی است و انسان برای رهایی از این رنج باید تلاش کند. بودا آیین خود را بر چهار اصل که نام آن را «چهار حقیقت والا» می نهد، بنا نهاده است آن چهار اصل عبارتند از:

۱. حقیقت تألم: این جهان پر از محنت است.

۲. حقیقت علت تألم: میل و هوس که بنیادش بر شوق شدید به زیستن است، علت و ریشهی تألم و رنج است.

۳. حقیقت پایان تألم: ریشهکن کردن میل و هوس، راه پایان دادن به رنج و تألم است.

۴. حقیقت طریقت والا برای رفع مایه ی تألم:

روش ریشه کن کردن میل و هوس استفاده از هشت راه است. این هشت راه که «هشت منزلت والا» نامیده می شوند عبارتند از:

بینش درست، اندیشه ی درست، گفتار درست، کردار درست، معاش درست، تلاش درست، حضور ذهن درست و تمرکز حواس درست.

اصول آیین بودا :

در حقیقت، بودا دو مطلب را اصل آیین خود قرار داده است:

اصل اول: شرّ و درد و رنج بودن عالم هستی و مایه ی اندوه دانستن هر آنچه انسانها به آن دل می بندند و از آن به زندگی تعبیر می کنند.



گشت و آمد و رفت» است. در اصطلاح به معنای تناسخ است که در آیین هندو و بودا با عناوین گوناگون وجود دارد، بودا معتقد است، آدمی همواره در گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر رنج گرفتار است و تنها راه رهایی انسان از گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر درد و رنج پیوستن به نیروانا (Nirvana) است.

نیروانا: در لغت به معنای «خاموشی» است. بودا نیروانا را تعریف نکرد اما آن را از طریق اوصافش این گونه بیان می‌کند. «شادی و سعادت وصف ناپذیر، رهایی از تولد، نامشروط بودن، کامل بودن و بهجت توصیف ناپذیر» بنابراین نیروانا را می‌توان این گونه تعریف کرد: «نوعی منزلگاه نادیدنی و جاودانه و بازنگشتن به حیات مادی است.»



بررسی واژه‌های محوری آیین بودا؛

بُودا: در لغت به معنی «روشن شدن» در اصطلاح «می‌توان با برشماری صفات او تعریف کرد. مهم‌ترین این صفات پنج‌گانه: ده نیرو، چهار بنیاد اعتماد به خود، چهار دانش تحلیلی، هجده ذرّمه ی خاص و همه آگاهی.»

آرَهت: یعنی «ارجمند، شایسته و انسان کامل» است. «آرَهت» کسی است که کرّمه‌اش، از نظر رشد، سالم یا نیک (کوَسَلَه) است. برای توضیح بیشتر اودانه می‌گوید: «همان گونه که جرقه‌های آتشین کوره یکی یکی خاموش می‌شوند و کسی نمی‌داند که آنها به کجا رفته‌اند... چنین اند کسانی که به آزادی کامل رسیده‌اند، که از سیل آز گذشته‌اند تا به شادمانی آرام پا بگذارند و از آنان هیچ نشانی به جا نمی‌ماند.»

کرّمه: اصطلاحی سانسکریت است و در لغت به معنای «کردار» و «عمل» می‌باشد. اما در اصطلاح «پیامدهای اخلاقی عمل است.» به تعبیر ام. هیربانه «اعتقاد به این است که در واقع هیچ ظلم و بی‌عدالتی در زندگی نیست و همین قانون فقدان هر گونه احساس تلخ‌کامی را در میان مردم توجیه می‌کند.»

ذرّمه: (Dharma) در لغت به معنای «داشتن، ساخت یا سرشت اشیاء، آیین، آموزه، درستکاری، کیفیت و صفت» می‌باشد. اما این واژه در اصطلاح آیین بودا معنای مبهم و پیچیده‌ای دارد. و در اصطلاح می‌شود به «آیین رهاونده که کشف بودا است و در چهار حقیقت جلیل خلاصه شده است.» تعریف کرد.

سَمساره: (Samsara) در لغت به معنای «سیر،

آیین بودا در جهان معاصر :

در قرون نوزدهم و بیستم، آیین بودا ناگزیر در قبال چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی که با الگوهای دینی و فرهنگی منطقه‌ای مغایرت داشت، واکنش نشان داده است، الگوهایی که مشخصه آیین بودا در دوره پیش از تجدد بود. شماری از کشورهای بودایی و حتی آن کشورهایی که نتوانستند بر احساس فشار سنگین تأثیر دینی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غربی چیره شوند، دستخوش قانون غربی اند. الگوهای عقلی و علمی جدید اندیشه، مفاهیم جدید دموکراسی، لیبرالی و سوسیالیسم، و الگوهای جدید سازمان اقتصادی وارد این کشورها شدند و به مهم‌ترین عناصر در اندیشه و زندگی بوداییان و غیر بوداییان تبدیل شدند. واکنش بوداییان در چنین موقعیتی مضاعف شد. اینان بر آن شدند که آیین بودا را با هویت دینی و فرهنگی پیوند دهند. جویای آن بودند که این هویت را در برابر برتری غرب حفظ کنند و بر آن تأکید کنند. افزون بر این، اینان جویای اصلاحاتی بودند که در جهان جدید به آیین بودا نیروی گیراتر و مؤثرتر می‌داد. گرایش بوداییان در به چالش خواندن برتری غرب، خود را هم در حوزه به ویژه دینی و هم سیاسی دینی نشان داد.

منابع:

۱. حسین، توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، (انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹)

۲. جان، بی‌ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، (انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰ هـ.ش)

۳. غلامعلی، آریا، آشنایی با تاریخ ادیان، (انتشارات پایا، چاپ سوم، ۱۳۷۹ هـ.ش).

۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ی احمد آرامی، ع. پاشایی، امیر حسین آریان پور، (شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)، چ ششم، ۱۳۷۸.

۵. ادیان آسیا، ویراسته ی فرید هلم هاردی، ترجمه ی عبدالکریم گواهی، (انتشارات فرهنگی اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۷ هـ.ش)

۶. سادها تیسا بودا و اندیشه های او، ترجمه ی محمد تقی بهرامی حران، (تهران: چاپ دیبا، ۱۳۸۲)

۷. هاشم، رجب زاده، چنین گفت بودا، (انتشارات اساطیر، چ سوم، ۱۳۷۸ هـ.ش)

۸. علیرضا شجاعی - فصلنامه هفت آسمان - شماره بیست و پنجم - مقاله سیر تحول تاریخ و اندیشه بودایی



معرفی عرفا:

رابعه عدویه

رابعه عدویه و نحوه ورودش به طریقت الهی در باره ولادت او گفته اند که او در سال ۹۵ هـ ق (۷۱۳ م.) در بصره متولد شد. چون بزرگ شد به بردگی فروخته شد ولی بعداً آزاد گردید. او مدتها در بیابانها می زیست تا اینکه در بصره اقامت گزید.

ابتدا به موسیقی علاقمند بود ولی پس از مدتی از آن روی گردان شد و به عبادت و تضرع روی آورد. مدتی به بیماری مبتلا بود و سپس سلامتی خود را باز یافت. او راه طریقت به دنبال کشف حقیقت رفت تا به مراحل بالایی در عرفان دست یافت.

کنیه رابعه عدویه، ام الخیر و پدرش اسماعیل عدوی، زاده بصره بود. وقتی رابعه کودک بود در بصره قحطی افتاد و او را فروختند روزگاری را به کنیزی گذراند. بعدها چون خواجه اش پارسایی و خدا دوستی او را دید آزادش کرد. رابعه در عمر خود هرگز شوهر نگزید و با خلق مزدور و ریاکار سر نکرد و با آنان به گفتگو و مصاحبت ننشست. البته خواستگاران زیادی از او درخواست ازدواج کردند اما وی پاسخ مثبت نداد و تنها چیزی که در جواب آنان می گفت این بود که: «در من وجودی و اختیاری نمانده است، مرا از او باید خواست.»

نقل است که روزی سفیان به رابعه گفت: «درجه ایمان و اعتقاد خود را به حضرت حق جل و علا برای من بیان کنید». رابعه گفت: «من خدا را به شوق بهشت و خوف جهنم نمی پرستم بلکه از کمال عشق به آن حضرت و برای ادای شرایط عبودیت عبادت می کنم.»

نقل کرده اند که وقتی رابعه به دنیا آمد پدرش به تنگدستی سختی گرفتار شده بود به گونه ای که روغنی یافته نمی شد تا ناف او را چرب کنند، مادر رابعه ندا داد که به خانه همسایه رجوع کند تا قطره ای روغن تهیه نماید، اما او عهد بسته بود که از هیچ

فردی، چیزی نخواهد. از منزل بیرون شد تا در خانه همسایه را بزند و این کار را کرد ولی جوابی از صاحبخانه نشنید، به منزل خود برگشت و اعلام کرد که کسی جوابش را نداد. مادر به حدی گریست که خواپش برد و در خواب پیامبر (ص) را دید. آن حضرت خطاب به وی فرمود: غمگین مباش که این دختر سیده است و هفتاد هزار از امت من در شفاعت او خواهند بود.

مدتی سپری شد و پدر و مادر رابعه از دنیا رفتند، در بصره قحطی سختی پدیدار شد و خواهران رابعه پراکنده شدند و او نیز چون از خانه بیرون رفت.

ظالمی او را دید و گرفت و به شش درهم فروخت و خریدار او را به کارهای مشقت بار وا می داشت. تا اینکه روزی رابعه از جایی گذشت نامحرمی او را دید و قصد او کرد، او دست به دعا بلند کرد و به خدای تعالی عرض کرد: «خدایا غریبم، یتیمم، اسیرم... و تو میدانی که جز به رضایت کاری انجام نمی دهم و حاضریم به هر بلای بیفتم به شرط آن که تو از من راضی باشی.» ندایی شنید که از آینده درخشان او نزد خداوند خبر می داد، بدین ترتیب زمینه ورود او به طریقت الهی فراهم شد. این اتفاق وقتی مسلم شد که رابعه مزه شیرین عبادت را چشید و از هر فرصتی استفاده کرد تا حلاوت اطاعت از حق تعالی را بیشتر بچشد. نقل است که یک شب خواجه و سرور او از خواب بیدار شد و از روزنه خانه به بیرون نگریست. رابعه را دید که سر به سجده نهاده است می گوید: «الهی تو می دانی که هوای دل من در موافقت فرمان تو است و روشنایی چشم من در خدمت درگاه تو است. اگر کار به دست من باشد یک لحظه از عبادت تو غفلت نمی کنم ولی تو مرا تحت نظر سلطه آفریده ای و از آفریدگان خود کرده ای.» وقتی خواجه این جریان را دید و مناجات او را شنید رابعه را پیش خود خوانده و آزاد کرد. پس از آن رابعه روی در بیابان نهاد و سفر حج آغاز کرد.

رابعه در سلوک عرفانی و تعالیم خود روش تازه ای در پیش گرفت و زیبایی و عشق و محبت را در آن وارد و بر آن تأکید داشت. بر خلاف صوفیانی که در زیبایی های جهان، جمال حق را مطالعه می کردند، او به زیبایی های جهان ظاهر، بی اعتنا بود. در یک شب بهاری، خادمه اش او را بیرون خواند و گفت بیرون بیا تا آثار خدا را ببینی. وی در جواب گفت که «تو، به درون آی تا خدای بینی».

نغمه عرفانی (معنسی) (رن)

آرزوها

در دلم بود که آدم شوم؛ امّا نشدم
 بی فخر از همه عالم شوم؛ امّا نشدم
 بر در پیر فریادها نهم روی نیاز
 تا به این طایفه مصرم شوم؛ امّا نشدم
 هجرت از فویش کنم، فانه به محبوب دهم
 تا به اسماء معلّم شوم؛ امّا نشدم
 از کف دوست بنوشم همه شب باده عشق
 رسته از کوثر و زمزم شوم؛ امّا نشدم
 فارغ از فویشتن و واله رفسار میب
 همچنان روح مجسم شوم؛ امّا نشدم
 سر و پا گوش شوم، پای به سر هوش شوم
 کز دم گرم تو ملهم شوم؛ امّا نشدم
 از صفا راه بیابم به سوی دار فنا
 در وفایار مسلّم شوم؛ امّا نشدم
 فواستم بر کنم از کعبه دل، هر چه بت است
 تا بر دوست مکرّم شوم؛ امّا نشدم
 آرزوها همه در گور شد ای نفس فبیث
 در دلم بود که آدم شوم؛ امّا نشدم

از دیدگاه سر حلقه عارفان مسلمان، امام علی (ع)، آدمی باید به کسی امید بندد که از او می ترسد؛ به کسی پناه برد که هم حیات در دست اوست و هم ممت. از این جهت عارف کامل کسی است که در نوسان میان این دو حال باشد یعنی از لطف، محبت الهی و توفیق در زندگی نباید مغرور شود که خوف و حرمان در کمین او نشسته است و از شکست و ترس نومید نشود که خدای رحمان معدن محبت و لطف است.

صاحب «الروض الفایق فی المواعظ و الرقایق» روایت کرده که گفته است: از رابعه عدویه رحمها الله تعالی حکایت شده است که وقتی نماز عشاء می گزارد بر پشت بام می رفت و چادر و مقنعه اش را محکم می کرد و می گفت: «خدای من! ستاره ها بیدار و منور شدند و چشمها به خواب رفتند، پادشاهان در خانه هاشان را بستند، و هر دلداده با دلبر خویش خلوت کرد، من هم اینجا در مقابل تو ایستاده ام» سپس بر سجده گاهش بوسه می زد. و به هنگام سحر می گفت: «خدای من! این شب به پایان رسید و صبح دمید. وای کاش می دانستم که آیا اعمال این شبم را از من پذیرفتی تا خشنود شوم؛ یا آن که آن را رد کردی تا عزادار شوم و سوگواری کنم، و به عزتت سوگند اگر مرا از درت برانی از وقتی که محبتت در دلم افتاده است از آن رویگردان نشده و نخواهد شد.»

اگر بخواهیم مهم ترین اقدام رابعه را یادآور شویم باید از تحولی که او در عرفان اسلامی به وجود آورد نام ببریم و آن وارد کردن مفهوم عشق و محبت الهی در عرفان اسلامی است از این جهت که رابعه در عرفان و سلوک عرفانی اش به عشق و محبت توجه عمیقی میذول می داشت لذا او را (امام عاشقان) دانسته اند و از آن جهت که محبت رابعه به خوف الهی آمیخته بود، او را (پیشوای عارفان اندوهگین) نام نهاده اند. چرا که رابعه بسیار گریه می کرد و خوف الهی سراسر وجود او را گرفته بود.

امروز ما می نگرند و می نویسند:

«هر چه می نویسم پنداری دلم خوش نیست و بیشتر آنچه این روزها نوشتم همه آن است که یقین ندانم که نیشتمش بهتر است از نایشتم. ای دوست نه هر چه درست و صواب بود، روا بود که بگویند... و نباید که در بحری افکنم خود را که ساحلش بدید نبود، و چیزها نویسم بی خود که چون وا خود آیم بر آن پشیمان باشم و رنجور. ای دوست می ترسم و جای ترس است از مکر سرنوشت...حقا و به حرمت دوستی که نمیدانم که این که می نویسم راه سعادت است که میروم یا راه شقاوت؟ و حقا که نمیدانم که این که نیشتم طاعت است یا معصیت؟ کاشکی یکبارگی نادانی شدمی تا از خود خلاصی یافتمی. چون در حرکت و سکون چیزی نویسم رنجور شوم از آن بغایت. و چون در معاملت راه خدا چیزی نویسم هم رنجور شوم. چون احوال عاشقان نویسم نشاید، چون احوال عاقلان نویسم هم نشاید، و هر چه نویسم هم نشاید، اگر هیچ ننویسم هم نشاید، اگر گویم نشاید، و اگر خاموش گردم هم نشاید، و اگر این واگویم نشاید، و اگر وانگویم هم نشاید، و اگر خاموش شوم هم نشاید!»

عین القضاة اندیشمند و روشنگری ست آزادیخواه.

می نویسند:

آزادی را به انسان بسته اند، چنان که حرارت را به آتش.

آتش بزنم بسوزم این مذهب و کیش
عشقت بنهم بجای مذهب در پیش
تا کی دارم عشق نهان در دل خویش
مقصودِ رهم تویی، نه دینست و نه کیش

عین القضاة، ابوالمعالی، عبدالله پسر محمد، پسر علی میانجی همدانی است. او نزدیک به ۹ سده پیش، نوجوانی خود را در خراسان، نزد فیلسوف و دانشمند بزرگ، عمر خیام نیشابوری و استادانی چون محمد جمویه گذرانید و آموزش دید. احمد غزالی از عارفان بزرگ و همراستای فکری ابن سینا، عین القضاة را قره العین (نور دیده) نام نهاد. وی با تردید به یقین های دیگران می نگرست و پریشان و حیران وادی جستجوها بود:

آن کس که درون سینه را دل پنداشت

گامی دو زرفته جمله حاصل پنداشت

علم و ورع و زهد و تمنا و طلب

این جمله رهند، خواجه منزل پنداشت

در کتاب تمهیدات داستانی را از بایزید روایت می کند:

مگر که این نشنیده ای که بایزید بسطامی می آمد و شخصی را دید گفت: کجا میروی گفت: الی بیت الله تعالی بایزید گفت: چند درم داری؟ گفت: هفت درم دارم گفت: بمن ده و هفت بار گرد من بگرد و زیارت کعبه کردی چه می شنوی کعبه نور اول ما خلق الله تعالی نوری در قالب بایزید بود زیارت کعبه حاصل آمد

وی انسانی آزاده است و گویا از پس هزار سال به

در نوجوانی به فراگیری دروس دینی روی آورد. هم زمان با فراگیری دانش زمانه ی خود، به کنکاش و بررسی ادیان پرداخت و در روند جستجوگری های خویش، باورهای ایمانی خویش را مورد تجدید نظر قرار داد. آنگاه با تابیدن نور دانش و جستجو، در ده ساله ی پایان عمر کوتاه خویش، به این بلندای اندیشه رسید که، برهان های برآمده از خرد را به جای پیش انگاره های مذهبی بنشانند و آفریده شدن جهان، واجب الوجود، رستاخیز و بهشت و دوزخ و... را مردود شمارد. او تبلیغات مذهب را دام و فریب می نامد و حتا دیدگاه استاد خویش احمد غزالی را ناپذیرفتنی می شمارد.

محراب جهان، جمال رخساره ی ماست

سلطان جهان این دل بیچاره ماست

شور و شر و کفر و توحید و یقین

در گوشه ی دیده های خون باره ی ماست

عین القضاة، در سن ۲۴ سالگی، مشهورترین کتاب فلسفی خویش "زبدة الحقایق" (زبده) را به نگارش در آورد. گرچه سلطه ی فقها و متعصبان زبان می برید و گلو می درید اما او با شهامت می نوشت:

کجاست محرم رازی که یک زمان

دل شرح آن دهد که چه دید و چه ها شنید.

عین القضاة، بیش از شش سده پیش از دکارت و کانت، به فلسفه ی قائم به ذات بودن اشیاء یا به مفهوم شیئی در خود پی برد. دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) برآن بود که پاره ای از شناخت ها از راه عقل به دست می آیند. وی بر آن بود که «هیچ چیزی را بی آنکه آشکار و مشخص به حس، درک نکرده ایم، نمی توانیم بپذیریم». عین القضاة، در بیان شناخت پذیری «چیزها» گامی فراتر از دکارت و کانت برداشت. اندیشه های فلسفی - علمی عین القضاة در باره ی

مفاهیم علم، شناخت، عقل و بصیرت، نشانه ی چیرگی و دیدگاه های خردمندانه ی این عارف است. به دید عین القضاة: عقل، عالی ترین و کامل ترین نماد و فرآورده ی پیچیده ترین و کامل ترین ماده روی زمین، (مغز) سرچشمه شناخت است. عقل به بیان پارامندیس (۴۴۰-۵۱۵ پیش از میلاد) تنها داوری است که حقیقت را تشخیص می دهد. به بیان عین القضاة هرچه که بتوان معنای آن را به عبارتی درست و مطابق آن، تعبیر نمود، علم نام دارد. و معرفت (شناخت) به آن معناست که هرگز تعبیری از آن متصور نشود، مگر به الفاظ متشابه.

عین القضاة در مهمترین کتاب فلسفی خویش، «تمهیدات»، «معاد» «یکی از مهمترین ارکان دین اسلام را غیرعقلانی و مردود می شمرد. عین القضاة، در این کتاب آشکارترین دیدگاه های «انسان خدایی»، «وحدت وجودی» و الحادی خویش را بی پروا بیان می دارد. آموزش های او در این کتاب، جوانه های زندگی پرفروغ و زیننده ی یک فیلسوف جوان در آستانه شکوفایی را بازتاب می دهد. عین القضاة بی باک و خردمندانه، دیدگاه های روشنگرانه ی خویش را همه جا تبلیغ می کند و به بیداری جامعه ی خویش می کوشد. او دشمن نادانی و خرافات است.

تکفیر در عرفان اسلامی

حجت الاسلام سیف الله مدبر : استادیار دانشگاه محقق

اردبیلی

دکتر اشرف میکائیلی : استادیار هیئت علمی دانشگاه محقق

اردبیلی

زهره علی آبادی : دانشجوی کارشناسی ارشد رشته عرفان

اسلامی

چکیده

از جمله مسائل مهمی که همواره در طول تاریخ اسلام مطرح بوده و هست بحث تکفیر است که عارفان نیز از آن درامان نبوده اند. تکفیر واژه ایست که با آن فردی از یک ملت یا یک جامعه و حتی یک گروه به کفر منسوب، معروف و حتی محکوم می شود. و با این بهانه وی را از امتیازات اجتماعی و الهی محروم می نمایند. جوامع اسلامی همواره با مسئله ی تکفیر دست به گریبان بوده اند و به این سبب جنگ های خونینی را در میان مسلمانان به راه افتاده. امروزه نیز در میان ملت های مسلمانان این مسئله مشهود است و به عنوان معضلی بزرگ تیشه به ریشه ی اسلام زده و چهره ای خشن و غیرانسانی از دین اسلام به نمایش گذاشته است. امید است با بررسی و ریشه یابی مسئله ی تکفیر دامن جوامع اسلامی را از این ناپاکی بزدااییم. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی به بررسی مسئله ی تکفیر در تاریخ اسلام و دیدگاه آیات و روایات و عرفا درباره ی کفر و کافر و تکفیر و نحوه ی برخورد با انسان های گناهکار می پردازد و دیدگاه عرفا را مورد بررسی قرار می دهد. و در پایان راهکار حل این معضل تبیین خواهد شد.

کلیدواژه : تکفیر، کفر، عرفان، عرفا، اسلام.

معرفی مقالات پذیرفته شده دانشجویان

رشته ادیان و عرفان اسلامی در همایش

ها و سمینارهای علمی کشور:

بررسی تطبیقی شیطان و اهریمن در دین اسلام و

آیین زرتشت

دکتر علی غفاری: استادیار هیئت علمی دانشگاه محقق

اردبیلی

بهمن زاهدی: عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

محمد مهدی یار: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته عرفان

اسلامی

چکیده

شیطان در دین اسلام بعنوان موجودی از مخلوقات خداوند و در صف مقربان بوده که بخاطر آزادی و اختیار خود تکبر ورزیده و از درگاه الهی رانده شده و مسیر شر را برای خود برگزیده است و کار شیطان وسوسه انسان ها تا روز قیامت شد که در نهایت جایگاه شیطان و یارانش دوزخ هست. اما درآیین زرتشتی تقابل نیرو های خیر و شر، تقسیم جهان به دو پهنه ی نور و تاریکی و عقیده به ستیز دایمی میان پدیده های اهورایی و اهریمنی و وجود اهریمن بعنوان خالق و در عرض اهورامزدا معرفی شده است که در نبرد با نیروی خیر در نهایت پیروزی از آن نیروی خیر(اهورامزدا) خواهد بود. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با روش تطبیقی به بررسی ماهیت شیطان ، جایگاه و منزلت ، یاران و اولاد و هدف از خلقت این نیروی شر و به ترسیم فرجام و سرنوشت این دو، در دین اسلام و دین زرتشت می پردازد.

کلید واژه: شیطان، اهریمن، تطبیق، اسلام، زرتشت

بررسی عفاف حضرت مریم در اسلام و مسیحیت

دکتر علی غفاری: استادیار هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

دکتر بهمن زاهدی: عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

سعیده ملا احمدی دستجردی: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته عرفان اسلامی

چکیده

عفاف و میل به پوشیدگی از اموری است که فطرتا در وجود هر انسانی نهفته است که در تمامی ادیان مورد توجه قرار گرفته است. الگوپذیری تاثیر بسیار عمیقی در فرد و جامعه می گذارد زیرا الگو یکی از روش های مهم در سازندگی است. در هر دینی متناسب با آموزه های دینی الگوهایی برای پیروان آن دین معرفی می شود که یکی از الگوهای برجسته عفف و پاکدامنی در اسلام و مسیحیت حضرت مریم (س) می باشد که بدون تردید هر قدمی در امر شناخت ایشان ما را در الگو پذیری از آن بانوی مقدس مصمم تر خواهد ساخت. یکی از بهترین روش های شناخت شخصیت و جایگاه حضرت مریم مقایسه منابع اسلامی با منابع مسیحی می باشد. لذا به این دلیل اهمیت و جایگاه ویژه ایشان در بحث عفاف و تقوا هدف این نوشتار بررسی جایگاه عفاف حضرت مریم در منابع اسلامی و مسیحی می باشد که با روش تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی مرتبط با موضوع به توصیف و تبیین موضوع پرداخته شده است.

کلید واژه: حضرت مریم، اسلام، مسیحیت، قرآن، انجیل

خانم ها

علیجان:ی

- عشق از دیدگاه مولانا جلال الدین بلخی

لیلا بنده:

- آب در ادیان الهی و غیر الهی

- مدارا با مخالفان در سیره پیامبر اکرم (ص)

- راهکار های اجرایی ترویج عفاف و حجاب در عصر حاضر

سعیده ملا احمدی دستجردی:

- ریاضت در ادیان

- نقش نماز در تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی و عرفانی

- نقش خانواده در گسترش فرهنگ عفاف و حجاب

رویاء حامد:

- بررسی مفهوم محبت در عرفان اسلامی و دین مسیح

اعظم هوشیار:

- بررسی و مقایسه سیمای حضرت ایوب (ع) «با تاکید بر

صبر ایشان» از دیدگاه قرآن کریم، عهد عتیق و عرفان

اسلامی

آقای فرامرز طلایی:

- عرفان اسلامی و مفهوم مرگ و زندگی

- تجارب عرفانی و روش های برخورد عرفا با این تجارب و

نقش و جایگاه حروف و اعداد در عرفان اسلامی

و سایر مقالات دانشجویان در موضوعات

تخصصی ادیان و عرفان اسلامی که در

همایش های مختلف شرکت کرده و مورد

پذیرش قرار گرفته اند اسامی پژوهشگران

همراه با عناوین مقالات مربوطه به شرح زیر

می باشد:

عناوین پایان نامه های دفاع شده در زمستان سال ۹۴ توسط دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته عرفان اسلامی:

۱- خانم سیده بتول میر آغاسی با عنوان «مفهوم مکان مقدس از دیدگاه شریعت و مقایسه آن با عرفان اسلامی»

استاد راهنما: خانم دکتر اشرف میکائیلی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر بهمن زاهدی

۲- خانم رقیه عیدی با عنوان «موانع وصول به کمال نفس در عرفان اسلامی»

استاد راهنما: خانم دکتر اشرف میکائیلی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر بهمن زاهدی

۳- خانم لیلا بنده با عنوان «بررسی و مقایسه مفهوم آب و آتش در قرآن کریم و عهد عتیق»

استاد راهنما: آقای دکتر علی غفاری

استاد مشاور: آقای دکتر بهمن زاهدی

۴- سعیده ملا احمدی دستجردی با عنوان «بررسی جایگاه ریاضت و بلا کشی از دیدگاه شریعت و عرفان اسلامی»

استاد راهنما: آقای دکتر علی غفاری

استاد مشاور: آقای دکتر بهمن زاهدی

برگزاری ششمین همایش ملی «قرآن کریم سفینه النجاة» در دانشگاه شهید مدنی برگزار گردید ششمین همایش ملی قرآن کریم سفینه النجاة با هدف گسترش معارف قرآنی و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب با حضور آیت الله محسن مجتهدشبهستری، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه تبریز، اساتید



دانشگاهی و پژوهشگران قرآنی در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان برگزار شد.

که در این همایش خانم سعیده ملا احمدی دستجردی با ارائه مقاله خود با موضوع «بررسی عفاف حضرت مریم (س) در اسلام و مسیحیت» که با راهنمایی و مشاوره اساتید مجرب ادیان و عرفان اسلامی آقایان دکتر علی غفاری و بهمن زاهدی موفق به کسب رتبه دوم همایش از میان ۱۸۰ مقاله ارسال شده گردیدند.

که جا دارد هیئت تحریریه نشریه به نوبه ی خود مراتب قدردانی و تبریک خود را از سرکار خانم سعیده ملا احمدی و اساتید بزرگوار گروه که همواره سعی در استیلای رشته عرفان اسلامی داشته اند را به جا بیاورد.

کنگره عرفان از دیدگاه حافظ شیرازی و یونس امره:

کنگره «عرفان از دیدگاه حافظ شیرازی و یونس امره» با همکاری دانشگاه محقق اردبیلی و با حضور معاونین پژوهشی و فناوری، آموزشی و تحصیلات تکمیلی، رئیس گروه همکاری علمی و بین المللی و اساتید دانشکده ادبیات

و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی در دانشگاه خاور نزدیک قبرس برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه، پروفیسور محمد نریمانی قائم مقام رئیس و معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی با اعلام این خبر، گفت: این

کنگره ادبی بر اساس مفاد تفاهم نامه علمی، آموزشی و پژوهشی در چهارچوب عملی ساختن تعهدات متقابل و اجرایی کردن آن برگزار می شود، که امسال تحت عنوان «عرفان از دیدگاه حافظ شیرازی و یونس امره» در تاریخ ۷ و ۸ آوریل ۲۰۱۶ در مرکز همایش های دانشگاه خاور نزدیک قبرس برگزار گردید.

وی افزود: در این کنگره ۱۳ مقاله خارجی و ۴ مقاله داخلی از قبرس در خصوص حافظ و یونس امره و شخصیت های ادبی و همچنین تحلیل آثار و اشعار آنان در حوزه عرفان و تصوف و تأثیر و تأثر زبان فارسی و ترکی مورد بررسی قرار گرفت.

نریمانی ادامه داد: اساتید برجسته ادبیات، الهیات و فرهنگ از دانشگاه های محقق اردبیلی، استانبول، فرات آلازیک، اسپارتا، آرداهان، سلجوق قونیه و خاور نزدیک با ارائه مقالات خود وجوه بیان نشده از شخصیت ادبی- عرفانی دو ستاره آسمان ادبیات فارسی و ترکی را به مورد مباحثه گذاشتند.

دکتر قدیر گلکاریان عضو هیات علمی دانشگاه خاور نزدیک و مدیر اجرایی این کنگره نیز گفت: بر اساس توافق مسئولان دو دانشگاه محقق اردبیلی و خاور نزدیک قبرس مقرر شده است که کنگره بعدی در سال ۲۰۱۸ در تاریخ مشابه در دانشگاه محقق اردبیلی تحت عنوان



«مولانا و نقش آن در شکل گیری ادبیات مشترک منطقه» برگزار گردد.

لازم به ذکر است که در این همایش جناب آقای دکتر علی غفاری و جناب آقای دکتر بهمن زاهدی به ارائه مقالات خود در این زمینه با عناوین ذیل پرداخته اند:

- **A survey common mystic meanings and concepts in the works of Hafiz and Yunus Emrah**
- **A comparative study of the concept of love in the poetry of Hafiz and Yunus Emrah**



به باور ها و عرفان های به اصطلاح نو ظهور دانستند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «در این آشفته بازار، هر کالای بدلی را می توان عرضه کرد و تشخیص اصل از بدل، مشکل شده.» در این راستا ایشان از مهجوریت واژگانی چون، عرفان، عدالت، حقوق بشر سخن به میان آوردند و التقاط این مضامین را در راستای مصادره به مطلوب کردنشان امری مرسوم و معمول دانستند.

آقای دکتر غفاری پاره ای از ویژگی های عرفان های نو ظهور مانند اعتقاد به تناسخ، عزلت نشینی، تبلیغ پلورالیسم، ترویج بی بند و باری جنسی و در کل شریعت گریز بودن و آسان گیری در امور شریعت را برشمردند. در انتهای این نشست، آقای دکتر غفاری به سئوالات حاضران پاسخ گفتند. گفتنی است این کارگاه روز سه شنبه هفتم اردیبهشت ماه برگزار شد.



کارگاه های برگزار شده توسط انجمن علمی ادیان و عرفان:

• کارگاه عرفان های نو ظهور

کارگاه تخصصی عرفان های نو ظهور در کارگاه آموزشی هنر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق برگزار شد، در این مراسم که جمعی از دانشجویان ادیان و عرفان حضور داشتند، آقای دکتر غفاری با حاضران به گفت و گو پرداختند.

آقای دکتر غفاری با بیان تاریخچه ای از گرایشات به دین از رنسانس به بعد که مبتنی بر جهان بینی تجربی و عقلگرایی مفرط بود، به کم رمق شدن دین در این مقطع اشاره کرد. اما روی آوردن دوباره ی بشر به معنویت، این اندیشه که صرف توجه به عقل گرایی نمی تواند به تنهایی راهی برای نیل به سعادت باشد را عامل انگیزشی و ارجاع به معنویت دانستند.

ایشان با اشاره به فرموده حضرت امام رحمه الله که: «من صدای شکستن استخوان های کمونیس را میشنوم» تصریح کردند که جریان ها و نظام های ضد دینی به تدریج در حال فرو ریختن و اضمحلال هستند.

در ادامه، آقای دکتر غفاری کم توجهی نسبت به عرفان اسلامی را عامل اصلی گرایشات جدید

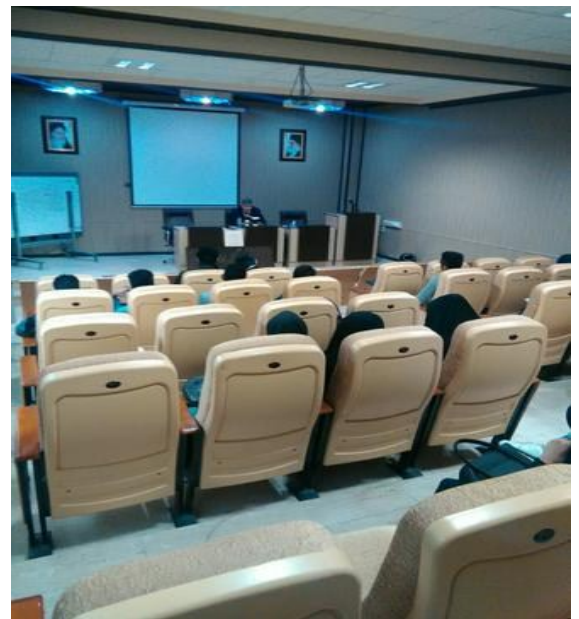
دکتر مریم سلطانی کوهانستانی استادیار فلسفه
دانشگاه محقق اردبیلی برگزار گردید.



تقدیر از دانشجویان قبول شده رشته ادیان و
عرفان اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد:
انجمن علمی ادیان و عرفان اسلامی بر خود لازم
می داند که با توجه به اعلام نتایج کنکور آزمون
سراسری در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۹۵ و
مجاز بودن اکثریت دانشجویان رشته مربوطه را
به دانشجویان گرامی و گروه ادیان و عرفان
تبریک گفته و آرزوی توفیقات روز افزون برای
این عزیزان می نمائیم.

کارگاه مقایسه تطبیقی داستان لوط نبی از منظر
قرآن و کتاب مقدس:

کارگاه بررسی تطبیقی انبیا بنی اسرائیل از منظر
قرآن و کتاب مقدس با ارائه ی استاد زاهدی عضو
هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی و در محل
آمفی تاتر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
محقق برگزار شد.



کارگاه تخصصی زن از منظر ادیان الهی :

کارگاه تخصصی زن از منظر ادیان الهی با رویکرد
تحلیلی و با ارائه ی خانم دکتر سلطانی و حضور
جمعی از دانشجویان و اساتید گروه ادیان و عرفان
و نیز جمعی از دانشجویان سایر رشته ها و
دانشگاه ها، در دانشگاه محقق اردبیلی در محل
آمفی تاتر دانشکده علوم انسانی برگزار شد.

این کارگاه که با هدف آشنایی با دیدگاه ادیان
الهی درباره زن طراحی شده بود؛ با ارائه خانم

وحدت وجود:

مبحث وحدت وجود از مسائل مشکل عرفان و فلسفه اسلامی است که فهم آن منوط به مطالعات عمیقی است. از آن روی در این جا به بیانی تمثیل وار و ساده از وحدت وجود کفایت می‌کنیم و در صورت نیاز، شما را به کتاب‌های نوشته شده در این زمینه ارجاع می‌دهیم.

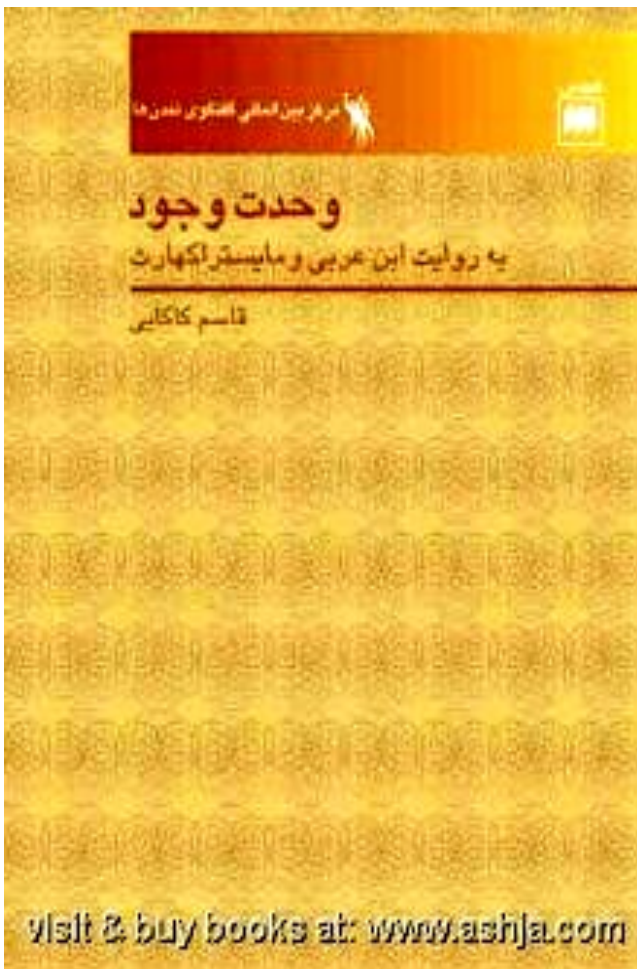
عرفا معتقدند که تنها وجود حقیقی در این عالم خدا است و دیگران وجود حقیقی ندارند، بلکه همگی مظاهر و سایه‌هایی از وجود خدایند؛ بنابراین، مجازاً به آنها وجود می‌گویند. این سخن نه انکار خدا و نه انکار جهان است. عرفا می‌گویند ما کثرت را در جهان می‌پذیریم، اما می‌گوییم این کثرت در مظاهر وجود است، نه خود وجود.

عارفان برای تبیین دیدگاه خود دلایل‌هایی از قرآن و روایات بیان کرده‌اند که در کتاب‌های عرفانی مفصل به آنها پرداخته شده است. در این جا تنها به یکی از ادله قرآنی آنها اشاره می‌کنیم: در سوره حدید درباره وجود خدا چنین می‌گوید: اول و آخر و ظاهر و باطن او است. این آیه بیانگر آن است که تنها او ظاهر است و تنها او باطن است. عارف نیز همه عالم را جلوه حق می‌داند. به همین دلیل است که به دریا و صحرا که می‌نگرد او را می‌بیند؛ بنابراین، این که عارف می‌گوید وقتی همگان در جست و جوی خدایند من در جست و جوی غیر خدایم، حرف درستی زده است؛ چون تنها کسی که ظاهر است او است. کجا است که او دیده نشود.

عرفا برای ساده کردن فهم این مطلب، به برخی مثال‌ها رو آورده‌اند. اگرچه مثال نمی‌تواند بیانگر همه معنا باشد و این مطلب نیاز به درک قلبی و معنوی دارد، اما

تا حدودی می‌تواند به تفهیم مطلب کمک کند.

یکی از این مثال‌ها مثال صورت در آینه است. یک شخص را در نظر بگیرید که در کنار ده آینه که در محذب و مقعر بودن با هم اختلاف دارند قرار گیرد. طبیعتاً این یک شخص است؛ در حالی که تصاویر مختلفی از او در آینه‌ها به وجود آمده است. این شخص ده جلوه از خود نشان داد، اما این موجب تعدد در اصل ذات او نمی‌شود، بلکه او یک حقیقت است با ده جلوه. بنابراین، کثرت وجود دارد، اما در جلوه‌ها، نه در اصل ذات او.



به بیان دیگر، قائلان به نظریه وحدت وجود هیچ‌گاه در پی آن نیستند که بگویند کثرت در عالم وجود ندارد، بلکه معتقدند که وجود حقیقی از آن خدا است و او است که دارای وجودی حقیقی است و دیگر موجودات سایه و جلوه‌ای از حضرت حق هستند. اگر به مثال آینه دقت کنیم متوجه می‌شویم که همه تصاویر به وجود آمده یکی نبوده، بلکه هر کدام بر حسب نوع آینه شکلی داشتند؛ بنابراین، منظور ما از وحدت وجود این نیست که همه موجودات عالم یک چیزند و با هم تفاوتی ندارند، بلکه بحث بر سر این است که وجود حقیقی تنها از آن خدا است، یا این که موجودات عالم نیز وجودی حقیقی دارند؟

بنابراین، روشن شد که در نظریه وحدت وجود تنها وجود حقیقی در عالم از آن خدا است و دیگران همه جلوه‌ها و سایه‌هایی از حضرت حق هستند. در نتیجه کثرت در عالم وجود دارد، ولی این کثرت در جلوه‌ها است.

نکته دیگر این که این نظریه هیچ تلازمی با شرک ندارد؛ یعنی بنابر این نظریه هیچ‌گاه یک انسان، خدا خوانده نمی‌شود. چون اصلاً این انسان وجودی ندارد و تنها وجود واقعی خدا است. این انسان تنها جلوه‌ای است از حضرت حق.

منابع:

۱. مبانی عرفان و تصوف، محمد حسین بیات، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
۲. کلیات عرفان اسلامی، همایون همتی، انتشارات امیرکبیر



اسلامی، از جمله عرفان، نگاشته‌اند، ژرفا و دشواری
فهم مباحث عرفان نظری را یادآور شده‌اند.

شرح این را گفتمی من از مری لیک ترسم تا نلغزد خاطری
نکته‌ها چون تیغ پولاد است تیز گر نداری تو سپر واپس گرین
پیش این الماس، بی اسپر میا کن بریدن تیغ را نبود حیا
زین سبب من تیغ کردم در غلاف تا که کثر خوانی نخواند بر خلاف

ایشان در گزارش کوتاهی از کتاب فصوص الحکم
ابن عربی می‌گوید:

... کتاب فصوص الحکم ... گرچه کوچک است ولی
دقیق‌ترین و عمیق‌ترین متن عرفانی است؛ شروح
زیادی بر آن نوشته شده است و در هر عصری شاید
دو سه نفر بیشتر پیدا نشده باشد که قادر به فهم این
متن عمیق باشد.

امام خمینی نیز در اثر اخلاقی - عرفانی خود، چهل
حدیث، بر دقیق بودن مسئله «وحدت وجود» تأکید
کرده و تحصیل مقدمات لازم و اخذ مباحث عرفانی از
اساتید فن را امری ضرور می‌شمارند.



وحدت شخصیه وجود از نگاه عرفا :

وحدت شخصیه وجود از نگاه عرفا عبارت است از
اینکه یک وجود به هم پیوسته و یک پارچه و نامتناهی
همه واقعیت را فرا گرفته، و همان وجود خدای متعالی
است و هرچه غیر اوست همه تجلیات و شئون اویند.
پیچیده‌ترین مسئله در کل علوم الهی، مهم‌ترین و
مبنایی‌ترین مسئله در عرفان اسلامی، نگاه ویژه عرفا به
خدای متعالی یا همان «وحدت شخصیه وجود»
است. از سویی، دشوارترین و پیچیده‌ترین مسئله
عرفان اسلامی بلکه کل علوم الهی نیز همین مسئله
است.

ابوحامد ترکه اصفهانی در آغاز قواعد التوحید
می‌گوید:

[وبعدهُ فانّ تقرير مسألة التوحيد على النحو الذي ذهب
إليه العارفون وأشار إليه المحققون من المسائل الغامضة
التي لا تصل إليها أفكار علماء الناظرين المجادلين ولا
تدرکها اذهان الفضلاء الباحثين من المناظرين؛]

همانا تقریر و توضیح مسئله توحید آن‌چنان‌که عارفان
بدان گراییدند و محققان بدان اشاره کردند، از مسائل
دشواری است که افکار عالمان اهل کلام و جدل بدان
نرسیده و اذهان مشائیان اهل فضل و بحث آن را
در نیافته است.

از همین روی، کج فهمی‌های فراوانی در این مسئله رخ
داده است که برخی از آنها را در ادامه خواهیم آورد، و
همین بدفهمی‌ها موجب شده بسیاری از بزرگان اهل
معرفت از شرح و توضیح آن روی بگردانند.

مولانا در دفتر اول مثنوی معنوی می‌گوید:

استاد شهید مطهری در اثری که برای آشنایی با علوم

برداشت‌های غلط از مسأله وحدت وجود:

دست‌کم سه برداشت غلط از طرح عرفانی وحدت شخصیه وجود در تاریخ عرفان از سوی موافقان و مخالفان پدید آمده که هر یک مسائل خاصی را در پی داشته است:

الف) حلول و اتحاد

از جمله برداشت‌های غلط سطحی‌نگران از وحدت شخصیه آن است که بر پایه این نظریه، حق تعالی در همه موجودات رسوخ و حلول کرده، یا با وجود آنها متحد شده است. از همین روی، بسیاری از کسانی که در زمینه عقاید فرق مختلف قلم زده‌اند، عارفان را جزو حلولیان قرار داده‌اند. البته گفتنی است طایفه‌ای از صوفی‌نمایان که خود را به عرفا منتسب می‌کنند، این باور را اظهار و ترویج می‌کنند؛ لیکن عرفای بزرگ و محققان عرفانی، اینان را به صراحت نفی و طرد کرده‌اند.

ب) همه‌خدایی

برداشت غلط همه‌خدایی از کلمات عرفا را می‌توان نتیجه برداشت غلط پیشین دانست؛ زیرا وقتی وجود حق در همه موجودات حلول کند و با آنها متحد شود، نتیجه طبیعی آن، خدا بودن همه موجودات خواهد بود؛

هرچند می‌توان این سوء برداشت را مستقلاً نیز تقریر کرد؛ زیرا هنگامی که عرفا یک وجود غیرمتناهی را خدا معرفی می‌کنند، می‌باید نتیجه گرفت که همه چیز، خداست. برخی شطحیات و کلمات غامض و رمزگونه گروهی از عارفان نیز به این برداشت و برداشت‌هایی از این دست، دامن زده است.

ج) پوچ بودن غیر خدا

برخی با شنیدن این جمله که «یک وجود غیرمتناهی کران تا کران را فرا گرفته و جایی برای وجود دیگر باقی نگذاشته است» می‌پندارند از منظر عرفا جز خداوند هیچ چیز دیگری واقعیت و حقیقت ندارد و همه موجودات و ممکنات، صرفاً

خیال و وهم، و یک‌سر هیچ‌وپوچ‌اند. این برداشت نادرست، که حتی برخی تحصیل‌کردگان عرفان نیز با عنوان دیدگاه عرفانی آن را عرضه می‌کنند، موجب نقد فلسفی روشنی بر اساسی‌ترین معرفت عرفانی شده است، و آن اینکه، عرفان واقعیت کثرات و موجودات را نفی می‌کند و آنها را به معنای حقیقی کلمه، هیچ‌وپوچ می‌شمارد؛ در حالی که تحقق موجودات و واقعیت داشتن کثرت بدیهی است و جای هیچ تردیدی ندارد. پس تحلیل عرفا از مسئله توحید، ناصواب و خطاست.

هرچند برای فهم معارف عرفانی تمهید مقدمات فراوانی از جمله تحکیم مبانی حکمت متعالیه بایسته است، ما در این اثر، تقریر وحدت شخصیه و توحید عرفانی را با تبیین برخی مقوله‌ها، که از اندیشه‌های بنیادین صدرالمতألهین است، آغاز می‌کنیم و امیدواریم خواننده گرامی، با بهره‌گیری از ذکاوت ذاتی و استادان فن و دقت و تأمل و مطالعه دوچندان، تصویر درستی از وحدت شخصیه عرفانی و خداشناسی عرفا به دست آورند و برداشت‌های غلط جای خود را به فهم درست و صحیح بدهد؛ زیرا عرفا نیز همچون دیگر اندیشه‌وران مسلمان و همگام با برداشت عمومی و فطری بشر، کثرت را می‌پذیرند و فقط تفسیر و تبیین آنها از چگونگی تحقق این کثرت متفاوت است.

انظار مختلف درباره وحدت و کثرت وجود

در مسئله وجود، دست‌کم سه دیدگاه اساسی در میان اندیشمندان اسلامی به چشم می‌خورد. مقایسه این سه دیدگاه با هم می‌تواند در تصویر بهتر وحدت شخصیه وجود مؤثر باشد.

- وحدت و کثرت وجود از نگاه مشائی
- وحدت و کثرت وجود از نگاه عرفانی
- وحدت و کثرت وجود از نگاه صدرایی

سفرنامه سالکان :

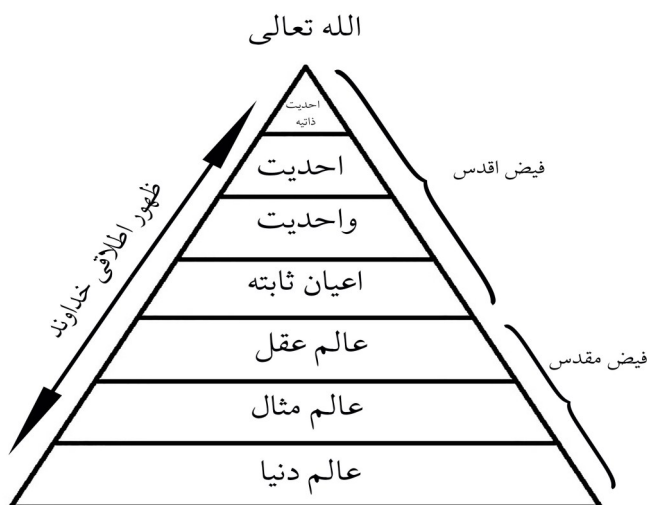
بین زن و مرد نیست گرچه در برخی از آثار اجرایی آن که همان نبوت و رسالت تشریحی است بین این دو صنف فرق است.

منازل سیر و سلوک

در کتب عرفانی درباره این منازل و مقامات به تفصیل بحث شده است ابن سینا در اشارات می گوید: «اول درجات حرکات العارفين ما یسمونه هم الاراده و هو مایعتری المستبصر بالیقین البرهانی اوالساکن النفس الی العقد الایمانی من الرغبه فی اعتلاق العروه الوثقی فیتحرک سره الی القدس لینال من روح الاتصال.»

اولین منزل سیر و سلوک عارفان آن چیزی است که آنان را «اراده» می نامند و آن عبارت است از نوعی شوق و رغبت که در اثر برهان یا تعبد و ایمان در انسان برای چنگ زدن به دستگیره با استحکام حقیقت پدید می آید، آنگاه روح و ضمیر به جنبش می آید تا به اتصال به حقیقت دست یابد. عرفا اولاً به اصلی معتقدند که با این جمله بیان می کنند: «النهايات هي الرجوع الی البدايات.»

پایانها بازگشت به آغازها است



شاهدان سالک کوی، و سالکان شاهد غیب و شهود، مراحل سفر را به چهار مرحله تقسیم کرده اند که در تمام مراحل آن «حق» حضور دارد.

اول: سفر از خلق به حق و از کثرت به وحدت.

دوم: سیر از حق به حق و سفر در دریای وحدت و شهود اسماء و اوصاف همانواحد یگانه و یکتا.

سوم: سفر از حق به خلق و از وحدت به کثرت آثار و افعال.

و چهارم: سیر از خلق به خلق با صحبت حق و سفر از کثیر به کثیر در صحبت واحد یگانه.

مراحل یاد شده عهده دار ترسیم خطوط کلی ولایت و آثار ولایتی آن می باشد و همسفران این سفر اعم از زن و مردند. در این وفد به سوی حق هیچ فرقی بین مذکر و مؤنث نیست، و آنچه در سفر سوم و چهارم مطرح است همانا درجات گوناگون ولایت است که هرگز بین زن و مرد در آن تفاوتی راه نداشته، چه این که لازمه وصول به این درجات یا ملزوم آن، نبوت و رسالت تشریحی نیست. یعنی سفر سوم و چهارم بدون نبوت و رسالت هم تامین می شود، چون رجوع از حق به خلق و برگشت از وحدت به کثرت، گرچه نبوت انبائی و تعریفی را به همراه دارد ولی مستلزم نبوت و رسالت تشریحی نمی باشد. بنابراین آنچه زن از آن محروم است یعنی نبوت و رسالت تشریحی، لازمه برگشت از حق به سوی خلق نیست و آنچه لازمه این برگشت است، یعنی نبوت انبائی و تعریفی بین زن و مرد فرقی نیست. و همین عدم تمیز بین این دو مطلب عمیق مایه دآوری محرومیت زن از سفر سوم و چهارم شده است. غرض آن که پشتوانه نبوت و رسالت همانا ولایت است و در ولایت هیچ امتیازی

عرفا به طور کلی به چهار سیر معتقدند:

سیر من الخلق الی الحق،

سیر بالحق فی الحق،

سیر من الحق الی الخلق بالحق،

سیر فی الخلق بالحق.

سیر اول از مخلوق است به خالق. سیر دوم در خود خالق است، یعنی در این مرحله با صفات و اسماء الهی آشنا می شود و بدانها متصف می گردد. در سفر سوم بار دیگر به سوی خلق باز می گردد بدون آنکه از حق جدا شود، یعنی در حالی که با خدا است به سوی خلق برای ارشاد و دستگیری و هدایت باز می گردد. سیر چهارم سفر در میان خلق است با حق. در این سیر عارف با مردم و در میان مردم است و به تمشیت امور آنها می پردازد برای آنکه آنها را به سوی حق سوق دهد. خواجه نصیر الدین طوسی در شرح اشارات گفته است بوعلی سفر اول عرفانی را در نه مرحله بیان کرده است. سه مرحله مربوط است به مبدا سفر، و سه مرحله مربوط است به عبور از مبدا به منتهی، و سه مرحله دیگر مربوط است به مرحله وصول به مقصد. با تأمل در کلام شیخ این نکته روشن می شود.

اختلاف در عدد و ترتیب منازل سلوک بر اصحاب ذوق و معرفت روشن است که عرفا در عدد و ترتیب منازل سلوک متفق القول نیستند: برخی یک، برخی دو، بعضی سه، برخی دیگر هفت، بعضی هفتاد و کسانی یکصد منزل بر شمرده اند و بعضی تا هزار و حتی هفتاد هزار نیز ادعا کرده اند.

این راه را نهایت صورت کجا توان بست

کز صد هزار منزل بیش است در بدایت

البته غالباً این راه را از یقظه آغاز و به وحدت منتهی دانسته

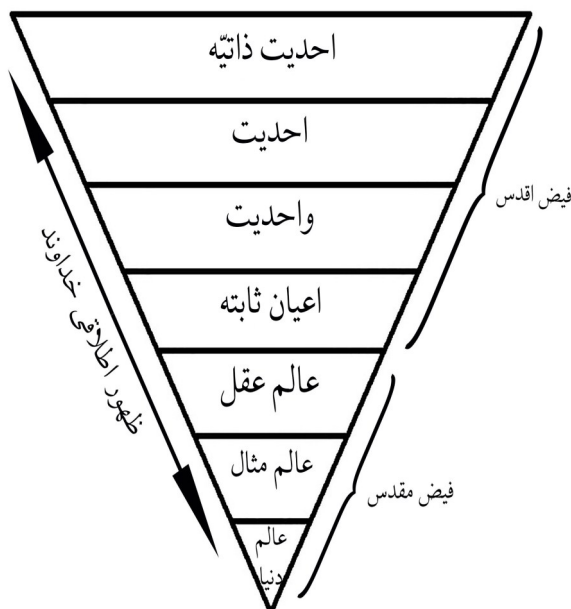
اند و بی گمان بسیاری از نظرات باهم قابل جمع هستند هر

چند راههای سلوک و وصال به شماره آفریدگان است، الطرق الی الله بعدد انفاس الخلائق (منسوب به پیامبر (ص)، علم الیقین، ج ۱، ص ۱۴) خواجه نصیر الدین طوسی در اوصاف الاشراف منازل را از ایمان آغاز و با توحید به پایان برده است، اما خواجه عبد الله انصاری در منازل السائرین یکصد منزل را مطرح نموده که عبارتند:

- ۱- یقظه. ۲- توبه. ۳- محاسبه. ۴- انابه. ۵- تفکر. ۶- تذکر.
- ۷- اعتصام. ۸- فرار. ۹- ریاضت. ۱۰- سماع. ۱۱- حزن.
- ۱۲- خوف. ۱۳- اشفاق. ۱۴- خشوع و ...

محقق طوسی در باب اول کتاب، به ترتیب درباره ایمان، ثبات، نیت، صدق، انابه، و اخلاق بحث می کند و این امور شش گانه را از مقدمات و مبادی سیر و سلوک می داند نه خود آن.

الله تعالی



و. بها دادن به تعقل و عزت نفس

ز. تهذیب نفس

توحید محوری از تمامی سخنان حضرت آشکار است. هر بحث و برهانی که مطرح می‌شود و آنچه از تعالیم آسمانی از قلب مبارکش بر زبانش جاری می‌گردد، حول پیرامون «لا اله الا الله» است.

امام المتقین، علی (ع) در ابتدا درس توحیدی را به سالک الی الله گوشزد می‌نماید:

الحمد لله العلی عن شبه المخلوقین؛ حمد و سپاس خدایی را که از شباهت داشتن به مخلوقین والاتر است.

نفی شباهت از خداوند بدون هیچ قیدی بیان شده است؛ بنابراین، تمامی شئون شباهت را نهی می‌کند، مانند: شباهت در وجود، خلق، هیئت، صورت، حیات و ممات. در واقع، نفی شباهت به نوعی بیان قدرت و تسلط خداوند بر تمام هستی است.



هدف عرفان از دیدگاه امام علی (ع)

عرفان در نظر امیرالمؤمنین (ع) هدفی جز تعالی روح توحیدی افراد ندارد.

امام علی (ع) اساس و شالوده دین، معرفت خداوند و کمال شناخت حضرت حق را تصدیق و توحید الهی می‌داند که باعث اخلاص انسان در تمامی مراحل زندگی و انجام همه امور می‌شود:

اول الدین معرفته و کمال المعرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده الاخلاص له؛ اساس دین (آغاز دینداری)، شناخت خداوند است و کمال شناخت خداوند، تصدیق به وجود او (باور داشتن او) و کمال باور داشتن خدا، اقرار به توحید و یگانگی اوست و توحید او با اخلاص نسبت به او تکمیل می‌شود.

بنابراین، برای رسیدن به اخلاص باید فرد مؤمن ابتدا ایمان خود را کامل نماید تا به بینش توحیدی برسد و برای هیچ کس یا هیچ چیز در مقابل خداوند، ارزشی قائل نشود؛ بلکه تنها به سوی معبود و محبوب حقیقی حرکت نماید.

پس عبادت که همان تسلیم و خضوع در برابر معبود است، از احساس وابستگی وجود و کمال عبد به معبود ناشی می‌شود و این برخاسته از معرفت است.

محورهای عرفان امام علی (ع) در نهج البلاغه

الف. توحید محوری

ب. ولایت مداری

ج. نهایت بندگی و اخلاص

د. زهد و آخرت‌گرایی در کنار تلاش اقتصادی

ه. جهاد و حضور فعالانه در اجتماع

نمی‌داند؛ بنابراین، اطاعت از دستورات الهی و انواع بخشش‌ها و حقوق واجبه، مانند خمس، زکات و غیره برای او آسان می‌شود و جایی برای بهانه‌تراشی و عذر آوردن باقی نمی‌ماند؛ چرا که بنده همواره به دنبال اجرای اوامر مولای خود است. اگر نعمتی یا مقامی هم از او سلب شد، آن را تکلیفی الهی می‌داند که برداشته شده و نه تنها ناراحت نیست؛ بلکه شکرگزار است.

امام الموحّدین علی (ع) می‌فرماید:

أَنَا لَا مَمْلَكَةَ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً وَ لَا مَمْلَكَةَ إِلَّا مَا مَلَكَتْنَا، فَمَتَى مَلَكَتْنَا مَا هُوَ أَمْلَكَكُ بِهٖ مِمَّا كَلَّفْنَا وَ مَتَى أَخَذَهُ مِنَّا وَضِعَ تَكْلِيفُهُ عَلَيْنَا؛ مَا بَرَابَرَ خَدَا مَالِكُ چِيزِي نِيسْتِيمُ وَ مَالِكُ چِيزِي نَمِي شُويم، جَزْ أُنْجِهْ أَوْ بِهٖ مَا بَخْشِيْدَهٗ اسْت. پس چون خدا چیزی به ما ببخشد که خود سزاوارتر است، وظایفی نیز به عهده‌ ما گذاشته است و چون آن را از ما گرفت، تکلیف خود را از ما برداشته است.

نکته مهم این است که لازمه‌ چنین توحیدی که سراسر زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد، یک نوع شناخت و بینش عمیق است؛ پس وقتی توحیدمحوری در گفتار و رفتار حاصل می‌شود که شخص دارای معرفتی عمیق نسبت به خالق باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ تَوَحَّدَ؛ هَرَّ كَسَّ خَدَا رَا شَنَاخْت، أَوْ رَا يَكْتَا بَدَانَد (موحد شود).



وقتی حقیقت توحید بر قلب سالک مستولی شد، شرک از میان می‌رود. آن گاه سالک همه جا فقط او را می‌بیند؛ پس رعایت حقوق الهی برای او بسیار مهم می‌شود. حضرت می‌فرماید: طوبی لنفس ادّت الی رب‌ها فرض‌ها؛ خوشا به حال کسی که حقوق الهی را ادا نماید

کسی که حقوق الهی را ادا نماید، به مرحله‌ای می‌رسد که همواره خداوند را بر اعمالش ناظر می‌بیند؛ بنابراین، راه تجاوز و سرکشی را بر خود می‌بندد و توفیق می‌یابد که همواره در پرتوی یاد الهی به اطمینان و آرامش برسد «[إِلَّا بِهٖ ذِكْرُ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ؛ (رعد، ۲۸)].»

«أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الذِّكْرِ؛ هَمْوَارَهٗ بِهٖ يَادُ خَدَا بَاشِيْدُ كِهٖ بَهْتَرِيْنُ ذَكْرَهَاسْت.»

از نظر امیرالمؤمنین، انسان موحّد بینش عمیق و معرفت کافی به ساحت مقدس ربوبی دارد؛ بنابراین، تفکر توحیدی او تمام امور جهان را در ید حکمت الهی می‌بیند و لذا هرگز زبان به اعتراض نمی‌گشاید. در حالی که بسیاری کسانانی که به دلیل ضعف معرفتی ناله و شکایت دارند و همواره نسبت به همه چیز معترض هستند. کلام عمیق امام علی (ع) این گونه است:

التَّوْحِيدُ إِلَّا تَتَّوْهَمُهُ وَ الْعَدْلُ إِلَّا تَتَّهَمُهُ؛ تَوْحِيدَ أَنْ اسْتِ كِهٖ خَدَا رَا دَرِ وَهْمُ نِيَاوَرِي وَ عَدْلَ أَنْ اسْتِ كِهٖ أَوْ رَا مَتَّهْمُ نَكْنِي

علاوه بر اینکه فرد موحّد، خداوند را متهم نمی‌کند و لب به شکایت نمی‌گشاید، تمام اموال و نعمت‌هایش را هدیه‌ای الهی می‌بیند و مالک حقیقی آن را خداوند می‌داند و هیچ قدرت و مؤثری در جهان را شریک خداوند نمی‌پندارد، حتی خودش را مالک خودش

در نگاه امام علی (ع) آغاز دینداری با شناخت خداوند و معرفت او صورت می‌پذیرد و کامل شدن این شناخت با ورود ایمان به قلب فرد مؤمن است که تمام گرایش‌ها و امیال او از همین نقطه سر چشمه می‌گیرد. نشانه توحید کامل نیز این است که در عمل، گفتار و نیت خود فقط خداوند را در نظر داشته و همواره اخلاص ورزد. وقتی به عظمت و قدرت خداوند معرفت پیدا کرد و کوچکی خود را شناخت، حتماً در مقابل ساحت ملکوتی دربار الهی سر تعظیم فرود خواهد آورد و خضوع و خشوع در او نمایان خواهد شد. وقتی فرد به این مرحله رسید، بی‌چون و چرا دستورات الهی را اجرا خواهد کرد و از نواهی او پرهیز خواهد نمود. این شناخت، نه تنها در گفتار و اعمال، بلکه در حالات قلبی او نیز نفوذ خواهد داشت.

وقتی معرفت حاصل شد، با اعتراف به عجز مخلوق همراه است و نوعی محبت و خشوع نسبت به قدرت برتر در او ایجاد می‌شود. سعدی می‌گوید:

گر اهل معرفتی هر چه بنگری خوب است

که هر چه دوست کند همچو دوست محبوب است

حضرت آیت الله بهجت جمله جالبی در این رابطه دارند: خداشناس مطیع خدا می‌شود و سر و کار با او دارد و موافق رضای او عمل می‌کند و در آنچه نمی‌داند، توقف می‌نماید تا بداند و آن به آن استعمال می‌نماید و عمل می‌کند و عملش از روی دلیل و توقفش از روی عدم دلیل است.

او مطیع اوامر خداوند می‌شود و توحیدمحوری او به همه زندگی‌اش جهت می‌دهد و اگر این چنین نباشد، دچار شرک و گمراهی خواهد شد؛ بنابراین، موحد از دستورات الهی پیش نمی‌رود و عقب هم نمی‌ماند و در مقابل خالق خاضع می‌شود. امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: کسی که قلبش ایمان

به عدم الهی جز «الله» دارد، گرایش به غیر خدا نکند، ستایش دیگران نکند و خوف و هراسی از غیر خدا نداشته باشد.

همچنین ایشان در نامه‌ای که به فرزندش احمد نوشته، این گونه سفارش کرده است:

دیگران برای هر دانشمند، ثروتمند و قدرتمندی تعظیم می‌کنند و گاهی بالاتر از آنچه برای معبود می‌کنند [ستایش می‌نمایند]، از هر کس استمداد و استعانت می‌جویند و از قدرت حق غفلت دارند، تو دلت را به خدا بسپار و مؤثری جز او ندان.

وقتی حقیقت توحید بر قلب عارف مستولی شد، شرک از آن رخت می‌بندد.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبیه (۱۳۷۹)، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی
۴. اسداللهی، یدالله (۱۳۸۴)، تجلی عبودیت در مقام معرفت، قم: صحیفه خرد.
۵. سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین، گلستان، انتشارات جاویدان.
۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، انسان کامل، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مسیحی و زره حضرت علی (ع) :

در زمان خلافت علی - علیه السلام - در کوفه ، زره آن حضرت گم شد . پس از چندی در نزدیکی مرد مسیحی پیدا شد . علی او را به محضر قاضی برد ، و اقامه دعوی کرد که : «این زره از آن من است ، نه آن را فروخته‌ام و نه به کسی بخشیده‌ام . و اکنون آن را در نزد این مرد یافته‌ام » . قاضی به مسیحی گفت : «خلیفه ادعای خود را اظهار کرد ، تو چه می‌گویی ؟» او گفت : « این زره مال خود من است ، و در عین حال گفته مقام خلافت را تکذیب نمی‌کنم ممکن است خلیفه اشتباه کرده باشد . »

قاضی رو کرد به علی و گفت : «تو مدعی هستی و این شخص منکر است ، علیها بر تو است که شاهد برمدعای خود بیاوری » علی خندید و فرمود :

«قاضی راست می‌گوید ، اکنون می‌بایست که من شاهد بیاورم ، ولی من شاهد » قاضی روی این اصل که مدعی شاهد ندارد ، به نفع مسیحی حکم کرد ، و او هم زره را برداشت و روان شد . ولی مرد مسیحی که خود بهتر می‌دانست که زره مال کی است ، پس از آنکه چند گامی پیمود وجدانش مرتعش شد و برگشت ، گفت : «این طرز حکومت و رفتار از نوع رفتارهای بشر عادی نیست ، از نوع حکومت انبیاست » و اقرار کرد که زره از علی است . طولی نکشید او را دیدند مسلمان شده ، و با شوق و ایمان در زیر پرچم علی در جنگ نهروان می‌جنگد

مستمند و ثروتمند

رسول اکرم (ص) طبق معمول در مجلس خود نشسته بود . یاران گرداگرد حضرت‌شان حلقه زده بودند و او را مانند نگین انگشتر در میان گرفته بودند . در این بین

یکی از مسلمانان - که مرد فقیر زنده پوشی بود - از در رسید و طبق سنت اسلامی - که هر کس در هر مقامی هست ، همین که وارد مجلسی می‌شود باید ببیند هر کجا جای خالی است همان‌جا بنشیند و یک نقطه مخصوص را به عنوان اینکه شأن من چنین اقتضا می‌کند در نظر نگیرد - آن مرد به اطراف متوجه شد ، در نقطه‌ای جای خالی یافت ، رفت و آن‌جا نشست . از قضا پهلوی مرد متعین و ثروتمندی قرار گرفت .

مرد ثروتمند جامه‌های خود را جمع کرد و خودش را به کناری کشید .

رسول اکرم که مراقب رفتار او بود به او رو کرد و گفت «ترسیدی که چیزی از فقر او به تو بچسبد؟»

- نه یا رسول‌الله!

- ترسیدی که چیزی از ثروت تو به او سرایت کند؟

- نه یا رسول‌الله!

- ترسیدی که جامه‌هایت کثیف و آلوده شود؟

- نه یا رسول‌الله!

- پس چرا پهلوی تهی کردی و خودت را به کناری کشیدی؟

- اعتراف می‌کنم که اشتباهی مرتکب شده‌ام و خطا کردم . اکنون به جبران این خطا و به کفاره‌ی این گناه حاضرم نیمی از دارایی خود را به این برادر مسلمان خود که درباره‌اش مرتکب اشتباهی شدم ببخشم .

مرد زنده‌پوش : «ولی من حاضر نیستم که بپذیرم.»

- جمعیت : «چرا؟»

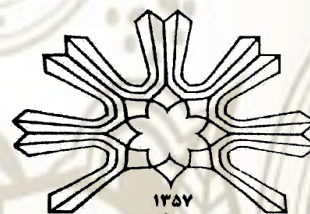
- چون می‌ترسم روزی مرا هم غرور بگیرد و با یک برادر مسلمان خود آن‌چنان رفتاری بکنم که امروز این شخص با من کرد .

منبع: داستان راستان، شهید مرتضی مطهری جلد ۱



اللَّهُ
رَسُولُ
مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
وَسَلِّمْ



دانشگاه محقق اردبیلی

نشریه ادیان شناخت، شماره ششم

آبان ماه ۹۵

انجمن علمی ادیان و عرفان دانشگاه محقق اردبیلی

قیمت: ۱۰۰۰ تومان